

مصوبات پیلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

- ★ طرح استراتژی و فاکتیک سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) برای انقلاب ملی و دمکراتیک ایران
- ★ گزارش هیأت سیاسی درباره فعالیت سازمان در میان دو پیلنوم
- ★ قطعنامه درباره وظایف مبارزه در راه وحدت جنبش کمونیستی و کارگری ایران
- ★ قطعنامه درباره ندادن کنگره سازمان فدائیان خلق ایران پیام به کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق

در صفحات ۶۵ و ۶۷ و ۸۰

اقتصاد جنگ زده

امروز هم اسلحه بدوش بی گیرند و هم اسلحه خواهند ساخت (اطلاعات ۱۱ خرداد) این سیاست اقتصادی خاثنانه، شیرازه اقتصاد بیما رتولیدات تا توان کشور را از هم گسته است. تولیدات و بویژه تولیدات صنعتی کشور در ساقوط شده اند. مطابق گزارش بانک مرکزی در مورد کارگاه های بزرگ صنعتی که در کیهان ۴ خرداد به چاپ رسیده است. تولیدات کارگاه های بزرگ صنعتی در ۹ ماه اول سال ۱۳۶۴ نسبت به دوره مشابه سال قبل ۴/۵ درصد کاهش یافته است. این کاهش در صنایع "تولید ماشین آلات، محصولات و وسایل فلزی" که استخوان بندی صنایع را تشکیل می دهند، به رقم قاعده با ۱۳/۵ درصد رسیده است. روشن است که این آمار و ارقام از واقعیت بسیار رندور است و قاعده بسیار سنگین تر از آن چیزی است که حکومتیان اعتراف می کنند.

کاهش تولیدات صنعتی، از یک سو نتیجه ختم شدن بخش بزرگتری از صنایع به تولید و ساقوط جنگ است. است و از سوی دیگر نتیجه اعمال محدودیت های روز افزون ارزی به صنایع و تخصیص هر چه بیشتر ارز به جنگ است.

بحران مالی رژیم که بر اثر سقوط شدید قیمت های نفت نتایج باقیه ای گرفته است. عامل عمده افت و پیا نگر کنونی در تولیدات صنعتی است. اخیراً آقا زاده وزیر نفت رژیم در ماه مه مطبوعاً تم، ورا دیوتلوژیونی، اعلام کرد در آمار ارزی دولت در سال جاری بیش از ۸ تا ۹ میلیارد دلار نخواهد بود. این رقم نصف مبلغ پیش بینی شده در بودجه ۶۵ است. علیرغم واقعیت فوق، رژیم قصد دارد کوچکترین تجدیدنظری در ارز تخصیص به امور جنگ، صورت دهد. محدودیت های هم در زمینه تولیدات غیر جنگی، طرح های عمرانی، هزینه های جاری و غیره است. این سیاست ویرانگر که قبلاً از طرف نخست وزیر و سایر صنایع سنگین رژیم اعلام شده بود، توسط وزیر نفت نیز مجدداً مورد تأکید قرار گرفت. وی گفت بنیانه تصمیم کمیسوین تخصصی ارز، هیچگونه تغییری در میزان سهمیه ارزی جنگ داده نخواهد شد و در عوض در عرصه تخصیص ارزی تولیدات محدودیت های جدی اعمال خواهد شد.

چندی پیش مرکز ما را ایران فاش ساخت که ۹۶٪ بقیه در صفحه ۱۱

بحران، تمام رشته های حیات اقتصادی کشور را تحت تأثیر قرار داده و داماد ابعاد فاجعه بارتری می گیرد. این بحران که ریشه اش در مناسبات غارتگرانه سرمایه داری و وابستگی اقتصاد کشور به امپریالیسم است، بر اثر سیاست های ارتجاعی رژیم در جهت حفظ این نظام، دفاع آن از جیب اول سرمایه داران و ادامه جنگ ارتجاعی به یک بحران خانه برانداز بدل شده است. جنگ، عامل عمده تشدید این بحران است. رژیم ضد خلقی و جناحیتکار خمینی، برای تأمین مخارج عظیم اداره جنگ، اقتصاد، صنایع، تولیدات و همه شروتهای کشور را بطور کامل در خدمت جنگ قرار داده است. مسووی نخست وزیر خمینی روز ۱۲ خرداد اعلام داشت که: "امروزاً قتماً دکشور بطور کامل در خدمت و متا شتر از جنگ است" رژیم برای پیش بردن سیاست و ادامه جنگ و خوشتریزی، تقریباً تمام طرح های صنعتی و عمرانی را متوقف کرده و نقشه های وسیعی برای قراردادادن همه صنایع کشور به خدمت جنگ، اختصاص بخش اعظم ارز به مصارف جنگی، و کسینل نیروی کار کشور به جهار تدارک دیده است. محسن فرایی فرمانده سپاه، در یک مصاحبه مطبوعاتی گوشه های از این تدارکات گسترده را فاش ساخت و از جمله اعلام کرد: "تمام کارخانه های که تا دیروز فقط در جبهه های تولید و اقتصاد حضور داشتند

از مبارزه یزشکان حمایت کنیم

دولت میرحسین موسوی پس از مدتها کشمکش، چندی پیش "سازمان نظام پزشکی ایران" را خود سرانه منحل و دکتر منافی و وزیر سابق بهداشت و دیگر ایادی خود را در این تشکیلات قرار داد. رژیم جمهوری اسلامی با تاج و آتش کار به حرم طاعت با ر دیگر سیمای فدمردمی و زنت خود را به نمایش گذاشته است. دخالت ارگانهای جاسوسی و سرکوب رژیم در سازمان نظام پزشکی و اعمال فشار بر جامعه پزشکیان خشم و نفرت مومنان ما را برانگیخته است. "سازمان نظام پزشکی" از همان سالهای نخست پس از انقلاب مورد مخالفت دولت جمهوری اسلامی بوده است. دولت تلاش فراوانی بعمل آورد تا نظام پزشکی را تحت نظارت مستقیم وزارت بهداشت درآورد تا از این طریق استقلال عمل این ارگسان را که با سخگوی برخی مسائل صنفی پزشکیان کشور بود، محدود کرده و در واقعاً تحت کنترل خود گیرد. در این راستا بوده که دولت از طریق مختلف از جمله اعمال برخی مقررات تشبیهی و اعزام اجباری پزشکیان و پزشکان و سایر پرسنل پزشکی به جبهه های جنگ و اعمال نظرو دخالت در انتخابات "نظام پزشکی" و بسیاری فعالیت های تخریبی مشابه به دخالت های بیجا خود در امور پزشکی کشور ادامه داد که موجب مخالفت و اعتراض بخش کثیری از پزشکیان گردید.

این روزها دولت با انحلال "سازمان نظام پزشکی" و کسینل او با شان و چنان قدران به محصل کار و فعالیت پزشکیان و اذیت و آزار و دستگیری عده ای از فعالین جامعه پزشکی که مخالفت و اعتراض خود را از طریق رسانه ها ابراز کردند. بقیه در صفحه ۳

"تکلیف شرعی" برای قتل عام مردم

جنگ چهره کشف و فکبشیری خود را بیشتر از هر زمان نمایان ساخته است. از وقتی که خمینی جناحیتکار و نترانی ۴ فروردین خود، شرکت در جنگ را "تکلیف شرعی" اعلام کرد و مسئولان رژیم، سال جدیداً "سال پیروزی" خواندند، سایشوم مرگ و نیستی بیرحمانه تر از همیشه میهن ما را فرا گرفته است. رژیم خمینی با حمله جناحیتکارانه اخیر خود بنام "کربلا - ۲ و ۱" گروه کثیر دیگری را سربازان جوانان میهن ما را به خاک و خون کشیده است. حملات هوایی در رژیم به شهرها و مراکز اقتصادی دوباره شدت یافته و تلفات و ضایعات تازه ای را برجای نهاده است.

رژیم برای پیش بردن اهداف جناحیتکارانه اش بیش از پیش به کسینل دست جمعی مردم به جبهه ها روی آورده است تا از این طریق بن بست جنگ را بشکند. هدف اعلام شده رژیم چنین است: همه مردم باید به جبهه بروند. رضایی فرمانده سپاه "ولایت فقیه" تنها راه باقی مانده مقابل رژیم را چنین اعلام کرد: "تنها راهی که امروز داریم آن است که از جنگ مقاومت تبدیل به یک جنگ بزرگ و یک جنگ وسیع تری بشویم... و یک جنگ مردمی (۱) تمام عیار را بسازیم. بیستی برنا هم ریزی کنیم." (روزنامه مه - ۱۰ خرداد) وی بی شرمانه اعلام کرد: "اعمال همه برابری بیشتر از سال گذشته نیرو به جبهه ها اعزام می شود و مجموعاً بیش از یک میلیون نفر در سال جاری عازم جبهه ها خواهند شد." برای تأمین این نیروی عظیم رژیم فشار بر مردم را افزایش داده است. مقررات و بخشنامه ها و دستورالعمل های بی دردی در جهت اجبار مردم به شرکت در جبهه ها مادی می شود. رژیم مستقیماً به زور تهدید متوسل شده است. رفینجانی لته فرمائدها ن سپاه گفت: "تکلیف است که همه فرمودند و استثناء هم ندا رده و همه مکلف هستند... یعنی همه اینها باید بیایدند (به جنگ) (روزنامه - ۱۳ خرداد). بر اساس این "تکلیف" جلا دمجان، نخست وزیر خمینی بخشنامه داده است که باید ۲۰٪ از نیروی انسانی و وزارتخانه ها، ادارات و کارخانجات به جبهه ها اعزام شوند. فشارهای روانی و مسادی و تهدیدهای آشکار بر کارگران و کارمندان تشدید بقیه در صفحه ۲

پیامدهای استقرار رهبری مجاهدین در عراق

نخستین دستاورد آشتی و زدوبند رژیم ایران با دولت فرانسه، اجرای یک رشته تشبیهات شدید علیه نیروهای مترقی مخالف حکومت خمینی در فرانسه بود. روی کار آمدن ژاک شیراک و تقویت مواضع راستگرایان در دولت فرانسه، زمینه را برای آشتی فوری این دولت با رژیم خمینی و تشدید فشار بر نیروهای مترقی مخالف آن در فرانسه فراهم آورد. تشبیهات دولت فرانسه علیه نیروهای مترقی میهن ما جزایران در همه عرصه ها جریان می یابد و شامل همه نیروهای ترقیخواه و مبارز می گردد. راستگرایان فدا خاری در فرانسه، اساساً در مدتی که همسایه "خارجی" های زحمتکش و مظلوم و مبارز را هر چه زودتر از فرانسه اخراج کنند. روشن است که این فشارها تنها مربوط به روی کار آمدن امثال شیراک نیست، بلکه شامل همه دولت های درخود سیستم امپریالیستی نفهته است. دولت های امپریالیستی همواره تلاش می کنند تا ازینا هندگی بقیه در صفحه ۹

در این شماره

- ★ درگذشت رفیق له دوان، ... در صفحه ۱۲
- ★ بیاد رفیق مرتقی میثی در صفحه ۱۲
- ★ شرکت هیأت نمایندگی سازمان در کنگره حزب توده ای انقلابی مغولستان در صفحه ۱۰
- ★ آخرین تدابیر پیکار علیه صلح در صفحه ۱۲
- ★ کار سازمانگران در میان زنان در صفحه ۹
- ★ مبارزه کارگران علیه اعزام به جبهه در صفحه ۱۱
- ★ ورزش در رژیم آخوندها در صفحه ۲

در گرامیداشت هشتادمین سالگرد انقلاب مشروطیت

زنده باد صلح، زنده باد آزادی، مرگ بر خمینی

از سیزدهم تیرماه سال ، جشنواره ورزشی برشکوهی در مسکوپا یخچت اتحاد شوروی برگزار شد . این جشنواره که قرار است هر ۳ سال یکبار برگزار گردد ، به نشانه دوستی خلقها ، بازیهای " حسن نیت " نامیده شده است . در بازیهای امسال بیش از ۸۰ کشور از ۱۸ قاره جهان شرکت داشتند و در رشته ورزشی باهم مصاف دادند . در این مسابقات ورزشکاران ، آخرین پیشرفت های فن و تکنیک در ورزش را به نمایش گذارند . در جریان بازیها ۶ رکورد جهانی و بیسی از ۹۰ رکورد ملی شکسته شد . در پایان بازیها ورزشکاران اتحاد جماهیر شوروی با بدست آوردن بیشترین پیروزی و مدال اول شدند و ورزشکاران آمریکا بی دومی قرار گرفتند . روز اول مردانه نخستین دوره مسابقات بسکتبال در میان تیم های " زد دوستی در ورزش به سوی صلح در زمین " در میان مراسم باشکوهی پایان یافت . دوره بعدی این بازیها در سال ۱۹۹۰ در آمریکا برگزار خواهد شد .

جای ورزشکاران میهن ما در این میدان معتبر و جهان ، ورزش ، نیزهما نشدیم . همان ، فوتبالیست مکترب خالی بود . اکنون مدت ها است که ورزشکاران ایرانی بدلیل سیاستهای ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی از حضور در میدانهای بزرگ ورزشی جهان محروم شده اند . بر اثر این سیاستها ، ورزش ایران که در گذشته ای نه چندان دور به همت ورزشکاران فهرا مان زحمتکش میهنمان از افتخارات بسکتبالیستی کسب کرده بود ، امروز در شرف نابودی قرار گرفته است . ورزش ایران در جمهوری اسلامی نه تنها در سطح جهان ، بلکه در سطح آسیا نیز در ضعیف ترین وافتاد ترین موقعیت خود قرار گرفته است .

رژیم جمهوری اسلامی به حکمایدنولوژی ، اهداف و سیاستهای ارتجاعی از دشمن ورزش و فعالیتهای ورزشی است . این رژیم ورزش را تا اندازه ای مجاز می داند که در خدمت اهداف جناحینک رانه اش یعنی "مدور انقلاب " ، نمایش عکسهای قدونیم قدیمینسی و " ما را مگه ، های رژیم " برای جنگ و خونریزی قرار گیرد . خارج از این چارچوب هیچ چیز را مجاز ندانسته و به اشکال مختلف در جهت جلوگیری و تخریب فعالیتهای ورزشی واقعی بر می آید . نهاد های ورزشی کشور تنها در خدمت اهداف ارتجاعی فوق است . دستگاه تربیت بدنی در اختیار مکتب مزبور قرار گرفته ، بی صلاحیت و آلت دست ارتجاع است . مواضع نظران واقعی و دلسوزان در خدمت شما نامتفک شده اند . معیارهایی که بر ورزش ایران حاکم شده است ، به راستی در تمام جهان نمونه است .

"تبدیل نمی یابی... بقیه از صفحه اول شده است . بگویی و ببینید جوانان و سرباز گیسوری بنحویس سابقه ای گسترش یافته است . سردمداران رژیم خودرانه ۴ ماهه بز خدمت سربازی افزوده اند . مدت اقامت بسیجی ها را در جبهه افزایش داده اند . انواع محرومیت های اجتماعی ، زندان و محاکم محرابی برای مقابله با مسئولین و سربازان قزاقی تدارک دیده اند . رئیس مجلس فدرمندی به عمال رژیم دستور داده است که : " با این لایحه جدیدی که گذشته (مجازات مسئولین قزاقی) با بد پیش کار را محکم بگیرد ، سخت گیری کنید و از اندام سرری ، شهبانی و کمیته ها و بسیج و سپاه همه در این راه همکاری کنند . " رژیم تبلیغات گسترده و جناحینکارانه و توسل به اقدامات سرکوبگرانه ای را بیستگن دانشجویان و دانش آموزان پیش می برد . وزیر آموزش و پرورش اعلام کرده است که در سال گذشته ۱۰۰ هزار دانش آموز ۲۰ هزار فرهنگی در جبهه های جنگ بوده اند . وی برای فرستادن ۵۰۰ هزار دانش آموز به جبهه ها اعلام آمادگی کرده است . عمال رژیم در دانشگاهها نیز طیفی چندینا ه گذشته فشار بی سابقه ای از برد دانشجویان وارد آورده اند ، شرکت در جبهه های جنگ و زورتنی از آموزش دانشجویان محسوب شده و اعزام به جبهه را عملا برای آنها اجباری ساخته اند . اکنون بتدریج اجساد پاره دانشجویان را بسنه دانشگاهها بازمی گردانند .

در کنار بسیج مردم برای کشتار عمومی ، همه امکانات کشور در خدمت جنگ قرار گرفته است " شورای عالی پشتیبانی جنگی " با حضور با اکثرین مقامات رژیم خمینی تشکیل شده و ستادهای پشتیبانی جنگ در همه استانها ، در تمام مراکز صنعتی ، ادارای و آموزشی کشور برپا شده است . کار این ستادهای قرار دادن همه امکانات کشور در خدمت جنگ است . نخست وزیر خمینی در کیهان ۲ خرداد اعتراف کرد : " امروز اقتصاد کشور بطور کامل در خدمت جنگ و متاثر از جنگ است و حدود یک سوم بودجه کل کشور در اختیار سیستم جنگ است . " رژیم که در بحران وخیم مالی قرار دارد و دچار فقر و کوچکیترین تجدید نظر در بودجه های سرسام آور جنگ نیست ، هر روز بیشتر فعالیت های صنعتی ، کشاورزی ، عمرانی ، خدماتی ، رفاهی و فرهنگی را به نفع جنگ محدود و تعطیل می کند . بنا به اعتراف سردمداران رژیم هم اکنون تنها در تهران ۲۰۰۰ کارخانه ، یعنی یک چهارم تمام کارخانه های تهران ، هم با بخشی از تولید خود را به تهیه لوازم جنگی اختصاص داده اند . رژیم با احراج خاشا نه نفت منابع عظیمی را به جیب انحصارات

بسر راه شرکت ورزشکاران ایران در مسابقات خارجی به بهانه جنگ و نبود بودجه و دلایل ارتجاعی مشابه موانع متعددی ایجاد شده است . هرچنانیز که رژیم تحت فشار ورزشکاران و جامعه ورزشی ، ایران موافقت می کند تنها به رایحه خارج اعزام کند ، برای انتخاب ورزشکاران تیم های ملی ، قبل از هر چیز وحشی قابلیت های ورزشی " معیارهای ایدئولوژیک " و " مکتبی " را اساس قرار می دهد .

## ورزش در رژیم آخوندها

زیرا هدف رژیم از شرکت ورزشکاران ایرانی در میدانهای بین المللی رقابت های سالم ورزشی نیست ، بلکه "ظهور انقلاب" است . تیم های ورزشی ایران راهواره مکتبی آخوندو " مکتبی " عقب مانده و عقده های همراهی می کنند که ورزشکاران را مجبور به اعمال ناشایسته ای می کنند که به رسوا یی ورزش و کشور ایران در سطح جهان انجامیده است . از آخرین نمونه های این رسوایی ها ، اعمال ارتجاعی بود که به تحریک این آخوندهای " همراه " در جریان مسابقات تحت رجم رستان صورت گرفت و منجر به اخطار فدراسیون جهانی کشتی ، کمیته المپیک ایران شد .

با شاگها و تیم ها و محافل ورزشی نیز از این سیاست ارتجاعی مصون نمانده اند ، با شاگها عرصه تاخت و تا زعمال " ولایت فقیه " شده اند ، ورزشکارانی را که به معیارهای ارتجاعی تسلیم نمی شوند ، به اشکال مختلف تحت فشار قرار می دهند و شاگها حتی یک تیم یا باشگاه کامل مورد " غضب " مسئولان ورزشی حکومت قرار می گیرد و به تاحه " مختلف برای آن ایجاد مانع و فشار و محرومیت می کنند .

از ورزش زنان کشور دیگر چیزی باقی نمانده است . رژیم زن ستیزی خمینی ، بیشترین گینه حیوانی خود را نسبت به ورزش زنان آشکارا ساخته است . بسیاری از رشته های ورزشی زنان رسوا تعطیل شده است و در مورد رشته های معدودی باقی مانده هم محدودیت های فوق العاده ای اعمال می شود . زنان ورزشکار حتی در هنگام مسابقات ملزم به رعایت " حجاب اسلامی " هستند ، مشتاقان ورزش را به " حرم مرد بودن " از تماشا ی مسابقات ورزشی زنان محروم کرده اند . نتایج مسابقات زنان در سالهای گروهي با ژرفای نمی یابد . در طی ۷ سال حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی ، حتی یک تیم ورزشی زنان

و کمیانیهای اسلحه سازی سرازیری کند و نمیلیارد میلیار د شروتهای ملی و حاصل دسترنج مردم زحمتکش میهن ما را بر باد می دهد . چندی پیش رسوایی جریان معامله عظیم ۲/۵ میلیار د دلار سلاح های آمریکایی بین رژیم و شبکه های قاچاق اسراشلی آفریده بیرون افتاد . رژیم جنایتکار خمینی تهدید کرده بود تنها ۵۰۰ میلیون دلار به قاچاقچیان بپردازد .

اما همه این مبالغ عظیم برای تامین مخارج جنگی کافی نیست و آخوندهای حاکم روز به روز بیشتر به غارت مستقیم و آشکار مردم می پردازند . رفسنجانی در نماز جماعت روز قدس با وقاحتی در شان دست پروردگان خمینی ، مقصد رژیم برای خالی کردن تنجیب مردم را فاش کرد و گفت : تکلیف شرعی امام " به اموال همملقی می گیرد و باید همه هر چه دارند را ولایت اول در اختیار جنگ قرار دهند .

رژیم " ولایت فقیه " با آزمندی و اشتیاق سیری ناپذیر از مردم خون و پول می طلبد . برای چه گیری ادا به جنگی که جز کشتار و بدبختی مردم و ویرانی اذکور و پر شدن کیسه انحصارات امیرالاستی و دلان اسلحه هیچ نتیجه ای ندارد . هر روز ادا به جنگ یعنی کشتار بیشتر ، گرسنگی ، گرانی ، فقر و فلاکت همگانی ، آوارگی ، ویرانی شهرها و روستاها و صنایع کشور ، نابودی ثروت های ملی ، تشدید اختناق و سرکوب و دیکتاتوری و وابستگی بیشتر کشور به امپریالیست ها . اما رژیم " ولایت فقیه " به هیچ رو نمی خواهد از اهداف جناحینکارانه خود دست بردارد . و به این جنگ ارتجاعی که میهن ما را به سوی نابودی سوق می دهد ، دست بردارد . این جنگ در عین حال با طاقی است که رژیم هر روز بیشتر در آن فرو می رود . کشتارهای عمومی ، بحرانهای دامین گسترش یافته ، آزادامه جنگ ، و سرکوب و دیکتاتوری فزاینده ، زمینهای است انفجار رشم مردم را بیش از پیش فراهم ساخته است . رژیم به ساسایت شرایط و افاست و از این رو با همه نیرو در صدد کسب پیروزی سریع در جبهه ها برآمده است .

کشتار و ویرانی حاصل از جنگی که خمینی جنایتکارانه بر آن پای می فشارد ، چنان آشکار شده است که امروزه مردم با خشم و نفرت از ماحکوم می کنند و با آن به مبارزه برخاسته اند . توسل رژیم به سیاست تهدید و سرکوب و اجبار برای سرکوب کردن جبهه ها ، بزرگترین نشانه آن است که رژیم در پیشبرد سیاست جنگ طلبانه خود روز به روز بیشتر منزوی شده و با مقاصد گسترده تری روبرو می شود . صلح محرم ترین

ایران در هیچکدام از مسابقات خارجی حضور نیافتند است . چندی پیش مسئولان ورزشی رژیم قول دادند که ورزشکاران زن را نیز به مسابقات خارجی اعزام کنند ، اما به ندرت مسابقه دادند ، بلکه بسوی "مدور انقلاب" و رشاد دورنگاران ساکن کشورها " ورزش در میان جوانان نیز با دشمنی کینه توزانه رژیم خمینی مواجه است . سال گذشته مسئولان ورزش از مدارس ابتدایی حذف شد . در مدارس به جای ورزش ، دانش آموزان را به تمرینات جنگی نظیر کلاغ پیروسیه خیز رفتن و تمرین عبور از " مینا بدین مین " مجبور می کنند . تشکیل تیم های ورزشی در دانشگاهها با واکنش سرکوبگرانه رژیم مواجه است . رژیم به زور سرنیزه پاسداران جلوی ورزش

مطلبات و تشکیل تیم های ورزشی محله را می گیرد . آری ، این رژیم دشمن ورزش و ورزشکاران است . رژیم خمینی گسترش ورزش در سطح جامعه را برخلاف مصالح و منافع عمومی دانده . مسئولین رژیم معتقدند و تا این اعتقاد را بارها اعلام کرده اند که پر داختن جوانان به ورزش آنها را از جنگ و خرافاتی که رژیم می خواهد در مغز آنها فرو کند ، بازمی دارد . از نظر رژیم آخوندها ، جوانان باید تنها در کلاس مساجد و حوزه های علمیه و مراسم مذهبی ، خرافاتی شسته شده ، در ساله های جنگ با راه از بر کنند ، " خزکی " شوند و در جبهه های جنگ بقا را هدف جناحینکارانه رژیم بکشند و کشته شوند . استقبال روز افزون جوانان از مسابقات ورزشی و خالی شدن بیش از نیمی از مراسم و رژه ها بر مراسم دولتی ، خشم و وحشت رژیم را برانگیخته است . از این روست که با همه توان می کوشد ورزش را هر چه بیشتر محدود کرده و از رونق بیاندازد .

این سیاستهای ارتجاعی خشم و نفرت جوانان و ورزشکاران ایرانی را برانگیخته و آنان را بیش از پیش روبرو در این رژیم جنایتکار قرار داده است و ورزش ایران عمیقاً با سیاست و مصالحت و مبارزه علیه رژیم " ولایت فقیه " پیوند خورده است . با بدینه این عرصه مهم مبارزه بطور جدی توجه گردید و با دفاع از حقوق و خواسته های ورزشکاران و ورزش دوستان با نشان دادن پیشرفت های عظیم ورزشی جهان و مقایسه موفقیت های بزرگ کشورهای سوسیالیستی در این زمینه ها با روش ناسف با ورزش در کشور ما ، با افتخار همه جانبه سیاستهای فدرالیستی رژیم و نشان دادن رابطه این سیاستها با ماهیت ارتجاعی رژیم نیروی عظیم جوانان و ورزش دوستان کشور را بیش از پیش به عرصه مبارزه فعالانه علیه رژیم تنبکار خمینی جلب کرد . ●

خواست مردم ما و عرصه مشترک مبارزه همه مردم است . نقش اصلی را در این مبارزه طبقه کارگر ایران بر عهده دارد . مبارزه متحدانه و متشکل کارگران می تواند تولیدات نظامی ، تدارکات جنگی و صنایعی را که در رابطه با جبهه ها کار می کنند ، فلج ساخته ، ماشین جنگی رژیم را از کار برینانند و بزرگترین ضربات را به رژیم فخری خدقلی نظامی وارد سازد . وظیفه هر عنصر آگاهی است که ضمن تشدید فعالیت ملج طلبانه در میان همه اقشار مردم ، پشتیبانی ، همدلی و سازماندهی هر اعتراض و هر حرکتی علیه جنگ و کوشش در جهت ارتقاء این حرکات به یک جنبش سراسری و همگانی ضد جنگ ، طبقه کارگر در میدان مبارزه با طرحها و پیش از پیش در مرکز فعالیت انقلابی خود قرار دهد . تشدید فعالیت انقلابی در این زمینه ، آشکارا سخن را رابطه جنگ ارتجاعی با همه فلاکتها و فقر وسیع روزی امروز کارگران و کوشش در جهت برقراری پیوند میان مبارزات طبقه کارگر و مبارزه در راه صلح ، وظیفه ای بسیار مهم و خطیر است که هم در تقویت جنبش صلح و هم در ارتقاء مبارزه طبقه کارگر و افزایش سهم و نقش آن در کل جنبش تا شرف قطعی دارد .

بسیج طبقه کارگر در جهت صلح ، هدایت و سازماندهی مبارزات سربازان ، مسئولان و جوانان با شرکت جبهه ها ، عدم شرکت در جنگ و دعوت آنان به گسترش مبارزه ، تشدید تبلیغات و مبارزه فداکارانه و بیگیر در راه صلح در میان همه اقشار مردم ایران و سازماندهی دهها و دهها اعتراض کوچک و بزرگ که هر روز در گوشه گوشه کشور علیه جنگ ارتجاعی اتفاق می افتد ، وظیفه مهم و بسیار مهم همه انقلابیون است . با ییدبرای کارگران و همه مردم آشکارا ساخته فقط مبارزه متشکل ، سراسری و سازمان یافته علیه جنگ و رژیم جلاخ خمینی قادر است به کشتار و در بدری و فقر و فلاکت همگانی پایان دهد و کشور را از خطر ویرانی نجات بخشد و صلح را به میهن ما با زگرداند . ●

**با جمع آوری کمک های مالی فدائیان خلق را در انجام وظایف انقلابی خود یاری دهید .**

### هفتمین سالگرد ۲۸ مرداد خمینی

۲۸ مرداد ماه امسال حمله سپاهیان خمینی به کردستان و اردشهرتین سال می شود. رژیم خمینی با یک نژاد ملی و مذهبی به مردم کردستان که برای حقوق ملی خویش و آزادی و رها بی ا ز قیدستم به مبارزه برخاستند، هجوم آورد و در مرگ بر شهرها و روستاهای کردستان با شد. طی این مدت هزاران نفر از مردم محروم و زجر کشیده کردستان به خون کشیده شدند و بسیاری از شهرها و روستاها ویران گشتند. اما جمهوری اسلامی علیرغم این اقدامها با یک استقامت و اراده ناپسندیده و سرکشی در خفا و خویشتن برای خاموش کردن جنبش خلق کرده است نیات و مبارزه و مقاومت خلق کرد اما به نایافت.

برای رژیم خمینی خاموش کردن شعله های نبرد اما دلانه خلق کرده ای مهم، در خدمت تشبیهت حاکمیت ارتجاعی فقها بود. سران جمهوری اسلامی کوشیدند تا با سرکوب خلق کرد مبارزه استقلال طلبانه و آزادیخواهانه و عده دادرسان سرکوب کنند، اما هجوم گسترده لشکریان خمینی به کردستان که بسیار فرمان ۲۸ مرداد خمینی برای " قلع و قمع اشرار " آغاز شد، با مقاومت قاطع خلق کرد و نیروهای انقلابی و دموکراتیک کردستان را مواجه گردید و به اهداف خود دست نیافت. رژیم که نقشه خود منسی سرکوب سریع مبارزه خلق کرد را شکست خورده است اجبارا به ما شور دیگری دست زد. در شرایطی که خمینی بدنبال تسخیر سقارت می کوشید تا خود را در آسایش مبارزه فدا میریالیستی مردم قرار دهد و شور و شوق خود را به خدمت تشبیهت حکومت فقها در آورد، اجبارا در رابطه با جنبش ملی خلق کرد، نبردست به ما نورهایی زد. رژیم فریبکاری را نه به مردم کردستان و عده دادرسان آنها را متحقق کند. خمینی بدین منظور هیاتی برای مذاکره بپرامون مسایل کردستان به منطقه اعزام داشت. هیات اعزامی حکومت به کردستان بی چهره و ناهماهنگ مذاکره با هیات نمایندگی خلق کرد به ائتلاف وقت پرداخت، وطنی این مدت رژیم به تدارک برای یوشی همه جانبه به کردستان مشغول بود. با نتایج مذاکرات در اسفند ماه ۵۸ آتش جنگ تحمیلی به خلق کرد، ابتدا در کا میاران و سپس در شمال کردستان شعله ور گردید و بتدریج به یک جنگ خویش و سازاری علیه خلق کرد مبدل شد، جنگی که هفت سال است بی امان ادامه دارد.

خمینی در اوضاع و احوالی که توده های مردم در تنگنای مبارزه ای خاد علیه آمریکا بودند، فریبکاری را نه کوشید تا با شامرک بر آمریکا به سرکوب جنبش ملی خلق کرد پردازد. و با سوء استفاده از اعتماد و بنا آگاهی توده های این جنبش را در راه مبارزه استقلال طلبانه و آزادیخواهانه آنها قلمداد کند. اما به میزانی که مردم به مقاصد رهبران خائنین جمهوری اسلامی بی بردند، دفاع آنها از کنگلان سرما به داران و بزرگان مالکان و استبداد سیاه آنها دیدند و جمهوری اسلامی وجه فاجع آنرا تجربه کردند، این فریبکاری رنگ باخت و حمایت از جنبش ملی خلق کرد و مبارزه عادلانه مردم کردستان علیه رژیم خمینی در میان مردم سراسر کشور، زمینه بیشتری پیدا کرد. اکنون توده های که به مخالفت و مبارزه علیه رژیم خمینی بر می خیزند منافع خود را به پیشتر در امان و بقا، جنبش ملی خلق کرد می یابند. توده های مردم درک می کنند که جنبش ملی خلق کرد چیزی از مبارزه آزادیخواهانه و حق طلبانه سراسری آنهاست، کارگران و زحمتکشان آگاه میهن ما می دانند که سرکوب و خشیانگی و جنایتکارانه خلق کرد و نیروهای ملی و مترقی کردستان، جدا از جنایات رژیم علیه جنبش اعتراضی و مطالبات آنها نیست.

رژیم استبدادی و ارتجاعی جمهوری اسلامی دشمن همه خلقهای میهن ما، دشمن کارگزاران دهقانان، زحمتکشان و همه نیروهای ملی و دموکراتیک ایران است. مبارزه در راه تحقق خواستهای ملی و مردمی خلقهای سراسر کشور و مبارزه کارگران، دهقانان، زحمتکشان علیه ظلم و جور رژیم حامی کلان سرمایه داران و بزرگان مالکان و اشراف و استبداد حاکم، یکی است. به این دلیل بیوند هر چه بیشتر جنبش ملی خلقهای سراسر کشور و مبارزه خلق کرد با جنبش انقلابی سراسری ضرورتی مهم و اجتناب ناپذیر است.

با وجود رژیم جمهوری اسلامی هیچگاه خواستهای بحق خلق کرد، تحقق نخواهد یافت. شرط مقدم تحقق خواستهای مردم میهن ما سرنگونی رژیم حاکم است. در این راه بیوند نیروهای ملی و مترقی کرد با نیروهای انقلابی کشور ضرورتی قطعی دارد و در خدمت تحقق اهداف مشترک ما است. بر این اساس ما زبیشتر با خیر حزب دموکرات کردستان ایران یعنی بر "هما هنگی" و اتحاد در میان نیروهای انقلابی و دموکراتیک کشور برای سرنگونی رژیم جمهوری

اسلامی استقبال می کنیم و از ادرجهت اهدا ف انقلابی خویش می دانیم. ما هماگونه که با رها اعلام کرده ایم، نسبت به هرگونه تلاش و توطئه در جهت ایجاد تفرقه در صفوف نیروهای ملی و دموکراتیک در کل کشور و در کردستان همدارمی و همه نیروهای را که در راه آرمانهای مردم کردستان مبارزه می کنند، به اتحاد دو یگانگی علیه رژیم استبدادی و ارتجاعی جمهوری اسلامی فرامی خوانیم. در شرایط کنونی وحدت نیروهای خلق کرد با نیروهای انقلابی و ترقیخواه کشور و حمایت همه جانبه همه نیروهای مترقی ایران از مبارزه عادلانه خلق کرد و تقویت این جنبش ضرورتی بیشتر یافته است.

نه ایجاد یک نظامی و سرکوب و خشیانگی خلق کرد، نه قتل عام زنان و کودکان و ویران سازی مناطق مسکونی و کوچ اجباری روستا نشینان و نه هیچ توطئه دیگری، قادر نیست خلق کرد را از مبارزه عادلانه خود برای تامین خود مختاری کردستان و آزادی ایران باز دارد. هر روز که می گذرد جنبش ملی خلق کرد از حمایت بیشتر مردم سراسر کشور برخوردار می گردد و رژیم جمهوری اسلامی متفرد تر می شود.

اتحاد مردم میهن ما کارگران، دهقانان و زحمتکشان سراسر کشور ما، ما من پیروزی برای رجوع داخلی و امپریالیسم و تحقق آماج های حق طلبانه و انقلابی آنان است.

### بند از فرانسه نوبت آمریکا

سرانجام پرده ها بالا رفت و تلاش های پشت پرده رژیم خمینی برای بدست آوردن دل دولت فرانسه و جلب حمایت آن به " روی صحنه " آمد. در اوایل اردیبهشت ما اما سال رژیم جمهوری اسلامی هیاتی به سرپرستی علیرضا معیری معاون سیاسی نخست وزیر را راهی پاریس کرد تا مقدمات " عادی شدن روابط میان دو کشور را فراهم آورد و به دیگر سخن دوست جدیدی از بلوک " استکبار " برای رژیم ایران پیدا کند. بنا به گزارش رئیس کارگزاران استقبال کننده " گاردهای جمهوری با کلاه خورشیدیهای نقره ای درختان " از فرستادگان خلیفه جماران بعمل آوردند در حد خود نظیر بوده و ملاقات ها و توافق های محرمانه درجی کاملاً " دوستانه " و " تفاهم آمیز " انجام گرفته است. ملاقات ها و توافق های کنه میان نمایندگان " امام " و دولت فرانسه در فرانسه یعنی فرانسویترین، ژاک شیراک و دیگران انجام گرفت گویا آن است که هر دو طرف معامله از معاملات آغاز شده و از " شتی " خود غرق در سرور و شادمانی اند.

مسأله نما بنده خمینی به پاریس و توافقهای محرمانه میان دو کشور تفاق می نبود که بدون زمینه قبلی انجام گیرد. رژیم خمینی در هر فرصت مناسبی از مبارزاتی که برای فرانسه و دولت فرانسه از عراق و نیز از حضور و فعالیت مخالفان رژیم در این کشور گلایه می کرد و مدعیان به امپریالیستهای فرانسوی همدارمی داد که باید " منافع " فرانسه را در ایران درک نمایند. رژیم ایران همواره به دولت فرانسه نفهمی می کرد که به شرط قطع حمایت یک جانبه از عراق در جنگ با ایران و محدود کردن فعالیت اپوزیسیون مترقی رژیم خمینی در فرانسه از جوانان نهمتی که رژیم بر زیربای فرانکفونان داخلی و خارجی گسترده است، بهره مندی می گردد. پیروزی دولت دست راستی ژاک شیراک در انتخابات فرانسه، آن فرصت طلایی بود که سرمداران رژیم خمینی برای پیاده کردن اهداف ضد ملی و ضد مردمی خود بنا زنده بودند. رژیم جمهوری اسلامی در سیمای دست راستی های دولت فرانسه نیرویی را می دید که بافتن زبان مشترک با آنان آسانتر بود. علیرضا معیری خود رکنفرانسن مطبوعاً تندی در پاریس درین مورد با خوشحالی اعتراف کرد: " باروی کار آمدن دولت آقای شیراک ما شامند نکات مثبتی (۱۱؟) بوده ایم، ما احساس می کنیم که آقای شیراک توجه خاصی به موقعیت استراتژیک ایران در منطقه دارد، (اطلاعات اول خرداد ۶۵) به صورت برجستین بستری بوده. ملاقاتها و توافق ها صورت گرفت و در نتیجه آن هر دو دولت بمنظور نشان دادن حسن نیت دولت استقبال خود دست به اقداماتی زدند: دولت فرانسه برنا مهمایی را برای محدود کردن فعالیت اپوزیسیون مترقی رژیم ایران به اجرا گذاشت، رهبری سازمان مجاهدین را از فرانسه اخراج کرد، متعهد شد که در جوار صدور اسلحه عراق، ایران را نیز از نظر سلاحهای فرانسوی بی نصیب نگذارد و یک اعتبار یک میلیاردی برای خرید اسلحه در اختیار رژیم خمینی گذاشت، رژیم ایران نیز علاوه بر اقدامات جنجالی مثل آزاد کردن گروگانهای فرانسوی در لبنان و آزادی رهبران شرکت هوا پیمایی فرانسن در تهران، بلافاصله قرار خرید یک میلیارد دلار اسلحه را ماز کرد و دربارا از داخلی و خارجی

به روی فرانسوی ها با زخمی، امپریالیست های فرانسوی را در برهه برداری از " موقعیت استراتژیک ایران در منطقه " که چیزی جز بقای نقش فدا تقابلی و همخوانی با امپریالیست ها علیه جنبش ها و دولتهای انقلابی و شوروی نیست. امیدوارا ساخت و بیادنا نا اطمینان خاطر دگر می تواننده همچون گذشته در ایران سرمایه گذاری کنند.

یکی از مواردی که رژیم خمینی در روابط خود با فرانسه بسیار دربارا آن به هیاهو برداخته مسأله باز پس گرفتن یک میلیار دلار از ما بوده که جنایتکاران رژیم زخمیتکشان ایران در اختیار نامحاربت فرانسوی قرار داده بود. روشن بود که بر سر مطالب نیز همان خواهد رفت که بر سر مطالبات ایران از آمریکا رفت. امپریالیست های فرانسوی بدینال طرح مسأله یک میلیار دلار مورد نظر، اعلام کرده اند که رژیم ایران نیز با بدخارسات شرکت های فرانسوی متفرد را انقلاب را با زبرد اخت نماید.

روشن است که داد منته توافقها و امتیازاتی که طرفین به همدیگر داده اند، فراتر از زموارد اسلام شده است.

دیگر پوشیده نیست که رژیم خمینی به همان میزان که زمان پیشتر می رود، به همان میزان که نفرت طبقه کارگرو توده های زحمتکش را بطور روز افزون نسبت به خود بر می انگیزد، به همان میزان که در فلکات اقتصادی فرو می رود... بیشتر و بیشتر دست در بوزگی رسمی و علنی پیش درندگان امپریالیست دراز می کند تا با تکیه بر آنسان چند صبا حی دیگر به عمده خود داده دهد. رژیم خمینی که روزگاری هیاهوی " فدا میریالیستی " اش چنانی را بر کرده بود، اکنون آماده است تا با زبان آخوندی در برابر امپریالیست آمریکا نیز توبه کند و آرایند " دوستی "، " تفاهم " و تجدید نظر در روابط خود با ایران فرامی خواند.

بنیاد رژیم جمهوری اسلامی بر غارت توده های کارگرو رنجبر و انباشتن کینه های سیری ناپذیر سرمایه داران و استعمارگران، سرکوب مردم، جنگ طلبی و بربریت استوار است. در جهان ما مابعد هر رژیم با چنین مشخصاتی بطور عینی و با لطمع در چارچوب " خانواده " سرمایه داری جهان نسی قرار دارد و از زهر کج که شروع کند و به هر ادعایی که بپردازد، راهی جز اتحاد و توافق با دیگر اعضای این دودمان نکشید و بدبختی ندادد. نمی توان در خا نوا ده وادی زینت بنا ابتدا دیگر اعضا و بزرگان خانواده " تهر " بود. مخصوصاً رئیس خانواده جناب عموسام.

از مبارزه پزشکان ... بقیه اضعف اول را به این خود سرها ابراز کرده اند، به اعمال فشا خود را به دتا زهای داده است. مقاومت پزشکان در مقابل رژیم و اعتراض گسترده و اعتصاب سراسری آنان حاکی از اهمیت مسأله ای است که ما به پزشکی کشور آن درگیری است.

مردم زحمتکش و شریف میهن ما برای خدمات ارزمند پزشکان در کشور و خارج فراوانی قابل هستند. همدردیها، کمک های بی دریغ و ایستار پزشکان و سایر پرسنل پزشکی در آستانه انقلاب همین در خاطر مردم ما جا وید است. مردم ما با اعتراض و مخالفت خود به بیعت با رژیم علیه جامه پزشکی، پشتیبانی خود را با آنان اعلام می دارند. رژیم ولایت بقیه با ابراد آنها مات ناروا و شنا خند شده ای از قبیل انتصاب " فخلق " به پزشکان زحمتکش کشور و بیوجه کسانیکه شبانه روز در خدمت مردم هستند، طرفی نخواهد بست و رسوا نخواهد شد. رژیم که قادر نیست درمان و بهداشت عمومی جامعه را که همچنان در سطح نازل قرار دارد و بروز بدتر از قبل می شود، تسخیری دهد. با اعمال فشا روایجاد اختناق در محیط کار و فعالیت جامعه پزشکی بر مشکلات می افزاید. رژیم خمینی با صرف بودجه عظیم برای جنگ و کاهش بودجه درمانی و بهداشتی کشور، مشکلات درمانی و بهداشتی کشور را مچندانی کرده است.

سرگردانی محرومین جامعه پشت دره های درمانگاهها و بیمارستانها برای مداوا و بستری شدن، شیوع انواع بیماریهای عفونی کشنده، افزایش مرگ و میر کودکان و بزرگان، هرج و مرج در اداره امور مراکز درمانی و بهداشتی و بیمارستانهای کشور، بی توجهی به سطح علمی پزشکان کشور و دهها و صدها سرورددیدگاران ما به سبب خدمات درمانی و بهداشتی رژیم جنگ و تبجکاری جمهوری اسلامی است.

تعرض دولت به " سازمان نظام پزشکی " برای انحلال و قبضه آن از سرشت ارتجاعی رژیم که با هرگونه تشکل و سازمان صنفی مردم گینه می ورزد، نشأت می گیرد.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، از مبارزات برحق پزشکان در کشور خا طریا زمان مستقل صنفی خود قاطعانه دفاعی کند و همه همبستگان را به پشتیبانی از پزشکان کشور فرامی خواند.

### دگرگونیهاست هشتادمین سالگرد انقلاب مشروطیت

۱۴ مرداد امسال برابر است با هشتادمین سالگرد انقلاب مشروطیت. انقلاب فداستبدادی، فدا میریالیستی و ضدفقودالی مشروطیت چه از نظر میسزان گسترده‌گی و چه از نظر ژرفای مفاصل و اشکال مبارزاتی برجسته‌ترین جنبشی بود که بلافاصله پس از انقلاب ۱۹۰۵ روسیه در گرفت. این انقلاب از یک طرف مرحله جدیدی در تاریخ مبارزات مردم ما گشود و از طرف دیگر آنها را بخش جنبشی‌های دیگری در آسیا گشت. انقلاب مشروطه از ابتدای تریب اشکال مبارزه یعنی طومار نویسی، بست نشینی و دادخواهی، تا عالی‌ترین شکل آن قیام مسلح خلق را تجربه کرد و هر چند سرانجام در نتیجه خیانتهای بورژوازی و دستگاه روحانیت و با دخالت نظامی دولت تزاری روس و امپریالیسم انگلیس درخسوف خفه گشت، ولی توانست پشت دستگاها، استبدادی و فاسدقاجاری را بر خاساک نماید، شاهان خودسرايه در یوزگی و ادا ردویا تحمیل قانون اساسی و متمم آن (در سال ۱۹۰۷) پاره‌ای اصلاحات را به آنها تحمیل نماید. انقلاب مشروطیت سرانجام ناکام ماند، ولی همچون هراتقلابی آنچنان تجارب و درسهای گرانبهای از خود بر جای نسل‌های بعد و پیشروان مردم برجای گذاشت که گذشت نزدیک به یک قرن، هنوز از اهمیت آنها ننگاسته است.

انقلاب مشروطه با شرکت گسترده اقشار و طبقات و نیروهای اجتماع فسی گوناگون ایران آن روزگار آغاز شد. آنچه در مرحله نخست تمامی این نیروها را بهم پیوند می داد فساد دیشی از دستگاها، سلطنت واسلطه دول استبدادی بر شور بود. از همین رو هر کجا ما نیروهای شرکت کننده در انقلاب با اهداف و آرمانهای مشخص خویش در آن شرکت جستند و هر کجا ما به خصلت طبقاتی خویش تا مراحل معینی با آن همراهی نمودند.

بورژوازی ایران از یک سو به جهت خصلت تجاری و دلال منشی خود، و از سوی دیگری به جهت ارتباط تنگاتنگی با مالکیت فئودالی بر زمین، برخلاف بورژوازی کلاسیک اروپا، در انقلابات بورژوازی، خواهان الفاء مناسبات فرسوده فئودالی و قطع کامل روابط استعماری نبود، بلکه خواستار رفع محدودیت‌های دربار و حکام محلی بر تجارت و مخالفت سلطه بلاینازع استعمارگران بر گمرکات، بازاریهای داخلی و مورالی کشور بود. بورژوازی ایران، ایرانی را از رومی کرده که در آن امتیاز گمرکات به مسیوتوز بلژیکی و امتیاز تنباکوبه فلان شرکت انگلیسی واگذار نشود و شاه برای بازپرداخت وام‌های خارجی خود با بستن مالیاتها سرکشی‌اش ننماید. درست بهمین سبب بورژوازی ایران اغلب بیش از آنکه از استبداد سلطنتی و استعمار امپریالیستی متنفر باشد، از رتوده‌های مردم و ژورن مبارزات و مطالبات آنها - که قطعاً به اخراج مسیوتوزها خاتمه نمی‌یافت - متنفر بود. این بورژوازی آنگاه که با تصویب قانون اساسی و متمم آن امتیازاتی به کف آورد، و در کنار زمینداران و روحانیون در قدرت شرکت جست در برابر مردم قرار گرفت و علیه انقلاب که دیگر رهبری آن در دستان نواستند و راهبری چون ستارخان و حیدر عموا و نلی و علی مسیوها قرار داشت، از هیچ خیانتی دریغ نکرد.

دستگاها روحانیت و روحانیون طراز اول در این دوره به جهت فرمانروایی بر اراضی بیکرانی تحت نام موقوفات و نیز داشتن املاک خصوصی بخش‌هایی از طبقه زمینداران ایران را تشکیل می‌داد. علاوه بر آن روحانیت دارای حیطه فرمائروایی روحانی بود. بخش بزرگ روحانیون با توجه به منافع خود در حفظ نظم موجود بدینچه بود و گسترش افکار روشنگرانه و آزادی طلبانه را اساساً بخریب پایگاه و به‌مخاطره افتادن منافع خود می‌دانست. از این نظر سر از همان آغاز در دفاع از منافع دربار و اشراف و استعمار در برابر جنبش قرار گرفت و با تشکیک برای آنکه با وجود قرائن نیازی به قانون اساسی نیست" مشروطه طلبان را با عینا وین" بابی، "مزدکی" و "طبیعی" تکفیر نمود. حاج شیخ فضل‌الله نوری و همدستان او در تهران و میرهاشم دوره‌چی و میسر زان حسناقا مجتهدو غیره در تبریز و سبیل این بخش از روحانیت اند. نگاهی به دوره‌های که طرفداران شیخ فضل‌الله نوری پراکنده اند و در صفحات ۴۲۲ - ۴۲۸ و ۴۱۵ - ۴۲۲ تاریخ مشروطه کسروی تماشا نقل شده است، بیانگر کاملی است، و این گزافی و عوامفریبی "مشروع" خواهان است. این بخش از روحانیت در جریان قیام تبریز و قیام خلق قهرمان این شهر در برابر ارتش دولتی و قوای ستارخان پستی و فرورمانی و جناحیاتی از خود نشان دادند که تا ابد از سینه تاریخ پاک نخواهد شد.

بخش دیگر روحانیت که در آنجا ملاکان لبرال و تجار بزرگ عمل می‌کرد با هدف بست کردن میان جنبش و کسب امتیازات بیشتر برای خود در انقلاب شرکت جست. این بخش که بیش از همه بیا نگر منافع تجار بزرگ بود، در دهساله نخست انقلاب با آن همراهی کرد و پس از تصویب قانون اساسی و متمم آن در سال ۱۹۰۷ و ورشمن مبارزات توده‌های زحمتکش - بویژه تبریز - دو شادوش روزی - رسانش یعنی تجار و روبه سوی ارتجاع نهاد. سمبل این بخش از روحانیت سید عبدالله بهبهانی مخالف مشهور تحریم تنباکوست که در زمان خودی به اشرافیت، زمینخواری، اختلاس، فساد و گدایی از استعمارگران اشتهار داشت. رادیکال ترین بخش جنبش را در انقلاب مشروطیت توده‌های زحمتکش شهری، کسبه خردپا، پیشه‌وران، عمله‌ها و دهقانان تشکیل می‌داد. اینان کسبه انقلاب در نتیجه فداکاریهای شان پیش رفت، آرماتی جزامحای استبداد و استعمار ناپا بودی ستم فئودالی و انجام اصلاحات دموکراتیک در سرنداشتند. این نیروها اگرچه در مرحله اول انقلاب بنا به علل مختلف بیشتر زیر نفوذ رهبران بورژوازی و مراجع روحانی قرار داشتند، ولی به موازات زرقش جنبش و رویگردانی سازگار از مخالفان در انقطا، در بسیاری از نقاط راه خود را بگلی از آن جدا کردند.

سازمان سیاسی مدافع خصلت توده‌های زحمتکش در انقلاب مشروطیت حزب سوسیال دموکرات ایران (اجتماعیون - بودکها بودکها) بود که بر اساسی کمیونست‌های آن دوره و بویژه شخص حیدرخان عموا و علی گرفت و نقشی فوق العاده زیادی در انقلاب ایفا نمود. قوی ترین سازمان فرقه‌سبه اجتماعیون عامیون در تبریز بود. فرقه اجتماعیون - عامیون که در تبریز با نام "انجمن غیبی" و با ریاست علی مسیوفعالیت می‌کرد، با آنکه سبه انضباط ذهنی و اعقایی فداکاران را از گذشت، در طول انقلاب مشروطیت در مقام رهبری انقلاب آذربایجان قرار داشت و بی‌اشکالی است که تبریز سر قهرمان تا چهار سال پس از تصویب قانون اساسی و خفه شدن انقلاب در یک - نقاط صلاح بر زمین نگذاشت. همانا تحت رهبری این حزب بود که از راه مقاومت قهرمانانه تبریز و شهرت ستارخان از یزیدزبورگ گرفته تا مراکش بخشش

گردید و چه در داخل کشور و چه در خارج مردم کوچه و بازار ترانه‌ها در وصف قهرمانی تبریزیان و ستارخان ساختند. علیرغم جانفشانی‌های قهرمانانه توده‌های مردم - اعم از زن و مرد و پیروچان - انقلاب سرانجام در نتیجه یک رشته عوامل داخلی و خارجی سبه شکست انجامید. ولی چندی بعد دوباره در مناطق مختلف ایران بویژه نواحی شمالی ایران - گیلان، خراسان و آذربایجان - پی گرفته شد. از این نظر می‌توان قیام جنگل، قیام شیخ محمدخیا بانی در تبریز و قیام گلشن محمد تقی خان بستان را بنبوعی تداوم انقلاب مشروطه با مفاصل متگامل تزاری تلقی نمود.

انقلاب مشروطه همچنانکه طبقات، اقشار و نیروهای گوناگون ایران را تعمید سیاسی داد و از زمک تجربه گذراند، در عرصه‌های نیز صف دوستی و دشمنان مردم را عیان تر ساخت. در شرایطی که تزارسیم روس و انگلیس برای سرکوب انقلاب دست‌آشتی نمودند، حزب سوسیال دموکرات کارگری روسیه به رهبری لنین از هیچگونه کمک مادی، تهیه سلاح و اعزام فدائیان برای کمک به مبارزین ایرانی دریغ نوزید. سنا به قرا رکتبه‌های باکو و قفقاز حزب، سازمانهای ویژه‌ای برای کمک به انقلاب ایران تحت نظارت ورهبری و شرکت مستقیم بلشویک‌های نامداری چون مشهدی عزیزبیکوف و نیرمان نریمانوف، ارژونیکیزه و... بوجود آمد و آنچنان نقشی در انقلاب ایفا نمود که انقلاب مشروطه بدون آن قابل تصور نیست. وای لنین که بدقت حوادث ایران و بویژه مقاومت و دلوری شهر قهرمان تبریز به رهبری ستارخان را تعقیب می‌نمود، همواره همدردی و پشتیبانی حزب بلشویک‌ها و طبقه کارگر زحمتکشان روسیه را از زحمتکشان ایران و حزب سوسیال دموکرات

(اجتماعیون - عامیون) اعلامی داشت. بعنوان نمونه در قطعنامه‌های که به پیشنها دلتین در شمین کنفرانس حزب سوسیال دموکرات کارگری روسیه به تصویب رسیده‌گفته می‌شود: "حزب سوسیال دموکرات کارگری روسیه با ست چپا و لگری دستجات قدرت تزاری را - که در صدها نفر کردن آزادی مردم ایرانند و در این راه از هیچگونه پستی و خویشگری ابا نمی‌کنند - محکوم می‌کنند... کنفرانس همینست که کامل خود را با مبارزه مردم ایران و بویژه با مبارزه حزب سوسیال دموکرات ایران که در مبارزه با تجار و زرگان تزاری اینهمه قهرمانی داده است، اعلام می‌دارد."



انقلاب مشروطه ایران فملی کرفیقا توبین در ادبیات و هنر ایران گشود نویسنده‌گان نامداری چون میرزا فتحعلی آخوندزاده (با محتویات کمال الدوله و...) میرزا عبدالرحیم بیگ طالبوف تبریزی (با کتاب احمد و سناک الحسینی)، وحاجی زین‌العابدین مراغه‌ای (با سناخت نامها تراهم بیگ)، و دیگران را از اسلهای قبل از انقلاب مشروطه بنیان تحول ادبیات از دوران فئودالیسم به دوران جدید بنا ده‌نمودند. ولی انقلاب مشروطه با به میدان آوردن ادبیات انقلابی و اشاعه آن تا سطح مردم بقه چرکن کوچه و بازار، هم از نظر شکل و هم از نظر مضمون تحولی کیفی بدان بخشید. طنز و نویسندگان و شاعران پارسی‌گوی نامداری چون میرزا علی اکبر خندان، میرزا جها نگیرخان، خسرو سرافقیسل، عارف سعید شرف‌الدین گیلانی (نسیم شمال) تنها در رابطه با انقلاب قابل توضیح است. انقلاب همچنانکه ادبیات مشروطه را در زبان فارسی پدید آورد، در ادبیات مکتوب و شفاهی آذربایجان نیز تا حد عمده‌ای گامی برداشت. انقلاب مشروطه و ادبیات مشروطه با آثار طلیل محمدقلی زاده (مدیر مجله "ملانصرالدین")، میرزا علی اکبر باسر عباس صحت، محمد سعید اردوبادی، نیرمان نریمانوف، عزیز حاجی بیگوف علی قلی شنگینا و نویسندگانی چون جمال سعیدسلما، عبدالحمید خان و... آنچنان به‌هم گره خورده است که گسستن آن غیر ممکن است.



جنبش مشروطه ایران و با نگرانی به آن در شرایط کنونی میهن ما سیک بررسی محدودتری تنها مربوط به گذشته نیست، تاریخ مزاجی کرده‌ویس از سیری شدن نزدیک به ۸۰ سال از بدآر و بیخته شدن مرتجع افراطی شیخ فضل‌الله نوری و اعدام انقلابی بهبهانی، وارث اندیشه‌های فوق ارتجاعی آن خیمینی جنایتکار و مریدان تبریزی خلافت نشسته و فرزندان محمدعلی شاه و عین الدوله هازیر علم "مشروطه" در دفاع دوران طلایی از دست رفته ناله‌های می‌کنند. شاه پرستان رنگ و رنگ وسینه چاکان رقاشاه و محمدرفا شاه (برخلاف خمینی و اصحابش که "ما دقانه" برومخ روحانیت ارتجاعی دوران مشروطه و شیخ فضل‌الله نوری صده می‌گذاردند) علنی مشروطه خواهی برافراشته اند و اوصاف مشروطه قهرمانان آن رزمی خوانند. نظری گذرا به دوره سلطنت رفاخان و محمدرفا شاه بروشنی نشان می‌دهند که خاندان متفورپهلوی خود بزرگترین دشمن مشروطیت و دستاورد های انقلاب مشروطه بوده‌اند. شاه پرستان قطعاً خود می‌دانند که رفاخان قزاق از همان سالهای نوجوانی به‌دسته قزاق پیوست و دو شادوش سرپازان انگلیسی در سرکوب انقلاب گیلان که در واقع تداوم انقلاب مشروطه بود، فعلا نه شرکت جست، با زروشن است که محمدرفا شاه نیز در ادامه راه پدرتاجدار خود در دوران سلطنتش چگونه قیام فرزندان ستارخان ها و ابا قرخان ها در آذربایجان و کردستان را (در سالهای ۲۶ - ۱۳۲۵) به خاک و خون کشید و پس از این کشتین مجسمه ستارخان و با قرخان از خیابانهای تبریز همان محل‌ها را سبه جایگاه تبریان انقلابیون تبدیل کرد.

با این تقاضای شاه پرستان ما بچرم مشروطه خواهی و با اده قانون اساسی گریه عابده‌اند و سینه چاک می‌دهند تا مگر دوباره آن سلطنت و آن بساط برچیده شده شاهنشاهی استبدادی را بر کشور چیره کنند.

قانون اساسی مشروطه هر چند برای سالهای نخست قرن حاضر در جامه مسیه ایران یک گام - و تنها یک گام - به پیش بود، اما چنانکه بدیم حسی توده‌های مردم و پیشروان انقلابی آنها در همان سالها نیز به آن اکتفا نکرده‌ند و تا سالها پس از آن نیز برای برچیدن بساط سلطنت استبدادی سلاح بر زمین ننهاده‌ند. مروز پس از گذشت ۸۰ سال از زورگارتلان برای بنیاده کردن آن مشروطیت و آن قانون اساسی بهمان اندازه ارتجاعی است که تلاشهای مثال محمدعلی شاه و شیخ فضل‌الله نوری بر دشمنه طیت در آن روزگار، بوینگدان و ورشین راه قهرمانان مشروطه را بتلاقیونی، ستمدکها بهمان عشق و جنب و جوش و دلیری حیدر وستاروفدائیان، در زورندیدترین قشارها و وحیانه ترین شکنجه‌ها، لحظه‌ای در دفاع از منافع طبقه کارگر و توده‌های زحمتکش با زنی با نند و برای نابودی رژیم ولایت فقیه و ستم امپریالیسم و سرما به‌داری آریانی نشینند. آرمات توده‌های انقلابی دوران مشروطیت و قهرمانان آن با برچیده شدن بساط ستم، استعمار و استعمار بر آورده می‌شود.

## گرامی باد خاطر شهیدان بخون خفته خلق

# طرح استراتژی و تاکتیک سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) برای انقلاب ملی و دموکراتیک ایران

۱ - بر اثر فرمهای شاه در دهه ۴۰ مناسبات سرمایه داری در پیونوسد ارگانیک با امپریالیسم جهانی به سرعت رشد کرده مناسبات غالب در کشور ما تبدیل گشت. در این روند، تضاد کاپیتالیسم با مناسبات ملی جامعه تبدیل شد و تضاد خلق و امپریالیسم تشدید گردید.

در کشور ما گرچه شیوه تولید سرمایه داری شیوه غالب و استعمار سرمایه - داری شکل اصلی صاحب دسترنج کارگران و زحمتکشان است، ولی هنوز بقایای ساختارهای ماقبل سرمایه داری وجود دارد.

۲ - مردم میهن ما برای تأمین استقلال، آزادی و عدالت اجتماعیه علیه حکومت دست نهاده شاه بپا خاستند و قهرمانان آن را به زیر کشیدند. انقلاب بهمن گرچه رژیم سلطنتی، لایه بالایی سرمایه و وابسته و مواضع سیاسی و نظامی امپریالیسم را بر انداخت ولی در نتیجه انتقال قدرت سیاسی به روحانیت پیرو خمینی، دستاوردهای دموکراتیک مردمی انقلاب نه تنها گسترش نیافت، بلکه آماج ستیز و سرکوب رژیم ارتجاعی و استبدادی خمینی قرار گرفت.

۳ - رژیم جمهوری اسلامی رژیم است بورژوازی و تشوکرانیک، دارای خلعت عمیقاً ارتجاعی، ضد خلقی و ضد دموکراتیک که بیش از همه منافس روحانیت و بورژوازی تجاری را تا مین می کند.

حفظ وابستگی اقتصاد کشور و سیاست نزدیکی به امپریالیسم، دفاع از منافع کلان سرمایه داران و بزرگان مالکان، سیاست های جنگ افروزان و بی انصافی رژیم جمهوری اسلامی و سبویزه خلعت تشوکرانیک آن، موجب تشدید بحران اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و ایدئولوژیکی جامعه ما شده است. بحران که ریشه آن اساساً در نظام سرمایه داری و وابستگی اقتصاد کشور به امپریالیسم نهفته است. تضاد بین رژیم جمهوری اسلامی و طبقه کارگر، دهقانان، خرده بورژوازی شهری و روشنفکران خلقی هر روز عمق و دامنه بیشتری پیدا می کند. ادامه جنگ و حکومت استبدادی روحانیون ناراضی و مخالفت بخشهایی از بورژوازی ملی و اشراف برانگیخته است.

دشمنان عمده مردم ایران در مرحله کنونی عبارتند از: رژیم جمهوری اسلامی، کلان سرمایه داران و بزرگان مالکان و امپریالیسم جهانی سرگردگی امپریالیسم آمریکا، نقطه ستیز عمده و به بیان دیگر دشمن عمده ای که تنها آزار و درهم کوبیدن آن راه تحقق خواست های فدا امپریالیستی - دموکراتیک مردم کشور ما هموار می گردد، رژیم جمهوری اسلامی (رژیم ولایت فقیه) است.

۴ - آماج غایی سازمان ما استقرار سوسیالیسم و کمونیسم در ایران است. سوسیالیسم تنها نظامی است که قادر است کارگران و زحمتکشان را از بندهای استثمار سرمایه رها می بخشد، به استثمار انسان از انسان خاتمه دهد و راه رشد همه جانبه و شتابنده نیروهای مولده را بگشاید و شرایط ترقی بی وقفه سطح زندگی مادی و معنوی زحمتکشان را تا مین کند. سازمان در راه دستیابی به این آماج مبارزه می کند.

۵ - برای تحقق خواسته های توده های مردم، جامعه ما در عرصه های گوناگون حیات اجتماعی به یک تحول انقلابی دموکراتیک در راستای سوسیالیسم نیازمند است. انقلاب در کشور ما به جهت سطح تکامل جامعه، خلعت تضادها و آرایش نیروهای طبقه ای آن کماکان در مرحله ملی و دموکراتیک قرار دارد. تا مین صلح، آزادی و حقوق دموکراتیک مردم، جدایی دین از دولت، شنا سبایی حق تعیین سرنوشت خلق ها، براندازی کلان سرمایه داری، بزرگ مالکی و محو بقایای ساختارهای ماقبل سرمایه داری، گسترش بخش دولتی و تعاونی و تحدید عرصه فعالیت بخش خصوصی و دموکراتیک تیزه کردن حیسانت اجتماعیه - اقتصادی، قطع وابستگی اقتصاد کشور به امپریالیسم، انحصار سیاست خارجی مترقی از عمده ترین وظایف انقلاب ملی - دموکراتیک ایران است که می باید در راستای سوسیالیسم انجام پذیرند. شرط ضروری و ضروری این انقلاب سرنوشتی رژیم جمهوری اسلامی و انتقال قدرت به طبقات

۶ - نیروهای محرکه انقلاب ملی و دموکراتیک ایران عبارتند از: طبقه کارگر، دهقانان، خرده بورژوازی شهری و روشنفکران خلقی. طبقه کارگر انقلابی ترین و پیشروترین طبقه و نیروی اصلی انقلاب است. لایه های پایینی بورژوازی نیز در برخی تحولات ملی و دموکراتیک درگیرند، اما قادر به تحول انقلابی جامعه ما نیستند. اتحاد نیروهای محرکه انقلاب و انفجار دموکراتیک لیبیرال و خشنی کردن ناپیگیری سایر نیروهای بورژوازی برای انجام تحول انقلابی جامعه ضروری است.

۷ - در انقلاب ملی و دموکراتیک علاوه بر طبقه کارگر، نیروهای طبقه ای دیگری نیز شریک و ذینفع هستند و تلاش می کنند سرکردگی خود را در انقلاب تا مین نمایند. سرنوشت انقلاب با سرکردگی آن گره می خورد. سازمان ما با تمام قوا در راه تا مین رهبری پرولتاریا در انقلاب ملی و دموکراتیک ایران، بمثابه اساسی ترین وظیفه استراتژیک خود مبارزه می کند. تا مین سرکردگی سستیزم آن است که طبقه کارگر متحد شود، بورژوازی لیبرال را متفرق و ناپیگیری سایر نیروهای بورژوازی را خشنی سازد و دستاوردهای دهقانان، خرده بورژوازی شهری و روشنفکران خلقی را به سوی خود جلب کند. پیشرفت پیگیری و به فرجام رسانیدن انقلاب ملی و دموکراتیک ایران در گرو تا مین رهبری پرولتاریا در این انقلاب و قرار گرفتن پیشاهنگ طبقه کارگر در رأس قدرت سیاسی است.

۸ - مبارزه در راه بسیج طبقه کارگر و دیگر اقشار و طبقات خلق تحسنت رهبری پیشاهنگ طبقه کارگر، مبارزه در راه وحدت همه نیروها و سوسیالیسم علمی در حزب و احاطه طبقه کارگر ایران، مبارزه در راه تا مین اتحاد همه نیروهای مترقی، دموکراتیک و انقلابی در یک جبهه و احدا زعمده ترین وظایف استراتژیک سازمان در مرحله کنونی و به منظور سرنوشتی رژیم جمهوری اسلامی و استقرار حاکمیت انقلابی خلق است.

این حاکمیت بر اساس اتحاد راه و احاطه طبقه کارگر، دهقانان، خرده بورژوازی شهری و روشنفکران خلقی متکی و بپا را عمل آن دولتی دموکراتیک و انقلابی است که باید بر پایه طبقه کارگر بر آید و انقلاب ملی و دموکراتیک ایران را به اجرا بگذارد، درجه پیگیری این دولت در اجرای برنامه مذکور با میزان سهم و نقش طبقه کارگر و پیشاهنگ آن در این حاکمیت بستگی می یابد.

۹ - اتحاد نیروهای محرکه انقلاب ملی - دموکراتیک ایران کمنه استخوانی است که در اتحاد کارگران و دهقانان تشکیل می دهد، لازم است تحقیق این انقلاب است. تا مین این اتحاد را وظایف اساسی پیشاهنگ طبقه کارگر است.

در شرایط کنونی که سرنوشتی رژیم جمهوری اسلامی آماج مقدم جنبش است. تا مین این اتحاد گسترده ای از نیروهای انقلابی، دموکراتیک و مترقی کشور که خواهان صلح، دموکراسی و سرنوشتی رژیم هستند در یک جبهه و احدا ضرورت عاجل دارند. اتحاد نیروهای محرکه انقلاب شاملوده این جبهه است. جبهه و احدا بر اساس برنامه مشترکی که مورد توافق همه نیروهای آن قرار می گیرد، تشکیل می شود. سازمان بر نامه خود را بعنوان برنامه ایسین جبهه پیشنهاد می کند.

در راه رسیدن به این جبهه سازمان از تا مین و گسترش همکاری و اتحاد عمل با همه نیروهای ترقیخواه کشور علیه رژیم استقبال می کند.

۱۰ - رژیم جمهوری اسلامی امکان اعمال اراده مردم را با سرکوب قهرآمیز سلب کرده است، تنها راه انتقال قدرت سیاسی به خلق اعمال قهر است. لذا سازمان آماده ساختن توده های خلق را برای مبارزه مسلحانه به منظور سرنوشتی رژیم جمهوری اسلامی و طبقه خود می داند. در مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی می توان تمام اشکال مسالمت آمیز و قهرآمیز مبارزه را بکار گرفت.

منطقه اعلام می دارد.

مبارزه مشترک خلقهای ما علیه جنگ خانمانسوز و در راه برقراری صلح، سرنوشت خلقهای ما را بهم پیوند زده است. قطع جنگ ایران و عراق که برای زحمتکشان هر دو کشور چیزی جز سیه روزی و قربانیهای بیشمار همراه نیارود است، از هدف های مشترک ما و شماست. اکنون که نفرت از جنگ و سیاست های جنگ طلبانه و ضد خلقی رژیم های ایران و عراق در دل خلقهای ما شدید و شدیدتر می شود، بیکیا ریزش مردم دو کشور ما علیه جنگ و در راه سرنوشتی رژیمهای استبدادی ایران و عراق و استقرار رژیم های دموکراتیک بر پایه خواست و اراده آزاد مردم کشورهای ما گسترش روز افزونی می یابد. پلنوم وسیع اهمیت خاصی برای گسترش مبارزه مردم ایران در راه صلح و آزادی قایل گردید. و همه نیروهای انقلابی، فدا امپریالیست و دموکرات ایران را که در راه صلح و آزادی و علیه رژیم استبداد مذهبی خمینی بپیکار می کنند به اتحاد در مجویانه فراخوانده است.

ما با اطمینان به پیروزی و آینده تابناک خلقهای ما با همه توان در راه تحقق آماج های مشترک بپیکار می کنیم. یقین داریم که روابط صمیمانه بر اساس مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری بین سازمان ما و حزب برادر حزب کمونیست عراق، و مساعده های متقابل به جنبش انقلابی خلقهای دو کشور و پیروزی زحمتکشان ما را نزدیک تر خواهد کرد.

۱ - برای تحقق خواسته های توده های مردم، جامعه ما در عرصه های گوناگون حیات اجتماعی به یک تحول انقلابی دموکراتیک در راستای سوسیالیسم نیازمند است. انقلاب در کشور ما به جهت سطح تکامل جامعه، خلعت تضادها و آرایش نیروهای طبقه ای آن کماکان در مرحله ملی و دموکراتیک قرار دارد. تا مین صلح، آزادی و حقوق دموکراتیک مردم، جدایی دین از دولت، شنا سبایی حق تعیین سرنوشت خلق ها، براندازی کلان سرمایه داری، بزرگ مالکی و محو بقایای ساختارهای ماقبل سرمایه داری، گسترش بخش دولتی و تعاونی و تحدید عرصه فعالیت بخش خصوصی و دموکراتیک تیزه کردن حیسانت اجتماعیه - اقتصادی، قطع وابستگی اقتصاد کشور به امپریالیسم، انحصار سیاست خارجی مترقی از عمده ترین وظایف انقلاب ملی - دموکراتیک ایران است که می باید در راستای سوسیالیسم انجام پذیرند. شرط ضروری و ضروری این انقلاب سرنوشتی رژیم جمهوری اسلامی و انتقال قدرت به طبقات

۲ - مردم میهن ما برای تأمین استقلال، آزادی و عدالت اجتماعیه علیه حکومت دست نهاده شاه بپا خاستند و قهرمانان آن را به زیر کشیدند. انقلاب بهمن گرچه رژیم سلطنتی، لایه بالایی سرمایه و وابسته و مواضع سیاسی و نظامی امپریالیسم را بر انداخت ولی در نتیجه انتقال قدرت سیاسی به روحانیت پیرو خمینی، دستاوردهای دموکراتیک مردمی انقلاب نه تنها گسترش نیافت، بلکه آماج ستیز و سرکوب رژیم ارتجاعی و استبدادی خمینی قرار گرفت.

۳ - رژیم جمهوری اسلامی رژیم است بورژوازی و تشوکرانیک، دارای خلعت عمیقاً ارتجاعی، ضد خلقی و ضد دموکراتیک که بیش از همه منافس روحانیت و بورژوازی تجاری را تا مین می کند.

حفظ وابستگی اقتصاد کشور و سیاست نزدیکی به امپریالیسم، دفاع از منافع کلان سرمایه داران و بزرگان مالکان، سیاست های جنگ افروزان و بی انصافی رژیم جمهوری اسلامی و سبویزه خلعت تشوکرانیک آن، موجب تشدید بحران اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و ایدئولوژیکی جامعه ما شده است. بحران که ریشه آن اساساً در نظام سرمایه داری و وابستگی اقتصاد کشور به امپریالیسم نهفته است. تضاد بین رژیم جمهوری اسلامی و طبقه کارگر، دهقانان، خرده بورژوازی شهری و روشنفکران خلقی هر روز عمق و دامنه بیشتری پیدا می کند. ادامه جنگ و حکومت استبدادی روحانیون ناراضی و مخالفت بخشهایی از بورژوازی ملی و اشراف برانگیخته است.

دشمنان عمده مردم ایران در مرحله کنونی عبارتند از: رژیم جمهوری اسلامی، کلان سرمایه داران و بزرگان مالکان و امپریالیسم جهانی سرگردگی امپریالیسم آمریکا، نقطه ستیز عمده و به بیان دیگر دشمن عمده ای که تنها آزار و درهم کوبیدن آن راه تحقق خواست های فدا امپریالیستی - دموکراتیک مردم کشور ما هموار می گردد، رژیم جمهوری اسلامی (رژیم ولایت فقیه) است.

۴ - آماج غایی سازمان ما استقرار سوسیالیسم و کمونیسم در ایران است. سوسیالیسم تنها نظامی است که قادر است کارگران و زحمتکشان را از بندهای استثمار سرمایه رها می بخشد، به استثمار انسان از انسان خاتمه دهد و راه رشد همه جانبه و شتابنده نیروهای مولده را بگشاید و شرایط ترقی بی وقفه سطح زندگی مادی و معنوی زحمتکشان را تا مین کند. سازمان در راه دستیابی به این آماج مبارزه می کند.

۵ - برای تحقق خواسته های توده های مردم، جامعه ما در عرصه های گوناگون حیات اجتماعی به یک تحول انقلابی دموکراتیک در راستای سوسیالیسم نیازمند است. انقلاب در کشور ما به جهت سطح تکامل جامعه، خلعت تضادها و آرایش نیروهای طبقه ای آن کماکان در مرحله ملی و دموکراتیک قرار دارد. تا مین صلح، آزادی و حقوق دموکراتیک مردم، جدایی دین از دولت، شنا سبایی حق تعیین سرنوشت خلق ها، براندازی کلان سرمایه داری، بزرگ مالکی و محو بقایای ساختارهای ماقبل سرمایه داری، گسترش بخش دولتی و تعاونی و تحدید عرصه فعالیت بخش خصوصی و دموکراتیک تیزه کردن حیسانت اجتماعیه - اقتصادی، قطع وابستگی اقتصاد کشور به امپریالیسم، انحصار سیاست خارجی مترقی از عمده ترین وظایف انقلاب ملی - دموکراتیک ایران است که می باید در راستای سوسیالیسم انجام پذیرند. شرط ضروری و ضروری این انقلاب سرنوشتی رژیم جمهوری اسلامی و انتقال قدرت به طبقات

## پیام پلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

### به کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق

با درودهای پرشور و رقیقانه به حزب برادر حزب کمونیست عراق که در شرایط دیکتاتور خونین حاکم بر کشور برای برقراری صلح، دموکراسی و در راه سوسیالیسم، آزادی و والی طبقه کارگر بپیکار می کند.

رفقای ارجمند!

پلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) مراتب همبستگی رقیقانه و انترناسیونالیستی خود را به شما رفقای کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق و از طریق شما به همه اعماق و هواداران حزب شما و همه انقلابیون و نیروهای میهن پرست عراق که نبردی قهرمانانه و قهرآمیز را علیه رژیم سرکوبگر و آزادی گش حاکم بر عراق به پیش می برند، ابراز می دارد.

رفقای گرامی!

محافل ارتجاعی امپریالیستی که با تشدید تها و زگرایی خود علیه خلقهای جهان و شعله ورنگه داشتن جنگهای منطقه ای صلح جهانی را به خطر انداخته اند، با بهره گیری از تداوم جنگ ایران و عراق برای پیشبرد سیاست های توطئه گرانه خود در منطقه خاورمیانه، تها و زدندنتا علیه خلقهای فلسطین و لبنان و گسترش جنگهای برادر کشی در لبنان، از مردم سلب و خوارتسابی چانگای متوجه مردم و کشورهای این منطقه کرده اند. پلنوم مراتب انزجار خود را از این دندمنشی های امپریالیسم و صهیونیسم و عمل آن و ارتجاع

مستحکم تر با دپیوندا نترنا سیونالیستی  
حزب کمونیست عراق و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)  
با درودهای رقیقانه  
پلنوم وسیع کمیته مرکزی  
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)  
فروردین ۱۳۶۵



نظریه اهمیت موضوعات در دستور پلنوم، هیات سیاسی تصمیم گرفت پلنوم کنونی را به منظور برگزاری نشست، به این منظور گروهی از کارکنان سازمان به پلنوم کمیته مرکزی دعوت شدند. اکنون این رفقا در پلنوم حضور دارند. حضور این تعداد از کارکنان در دستور پلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان و شرکت غیر مستقیم بخش وسیعی از کارکنان سازمان در این مناسبت‌ها است. توسط هیات سیاسی سازمان یافت، در جهت ارتقاء سطح کیفی آگاهی و تجربه کارکنان و تحکیم پیوند با دستگاره‌های سازمان تأثیر کرده است.

ب: فعالیت سازمان در زمینه‌های فرهنگی جنبش توده‌ای

پلنوم مهرماه ۱۳۶۴ بر تمرکز قوای سازمان در مراکز کارگری تأکید کرده بود. تحکیم پیوندهای توده‌ای سازمان در مداخلات ما قرار داشت. انجام پیگیری به این وظیفه در شرایطی که بر اثر سرکوب سبانه رژیم خون آشام خمینی به ارتباط توده‌ای سازمان نبطاً شدیدی وارد آمده بود از یک سو دشوار و از سوی دیگر بسیار حیاتی بود. در پاسخ به این وظیفه حیاتی و دشوار ضرورت تشکیل هسته‌های مخفی کارگری در دستور کار سازمان نگارانه فعالین سازمان قرار گرفت. اعتصاب بزرگ ذوب آهن و چندین واحد بزرگ صنعتی کشور اهمیت سرشت سازمان تحکیم پیوند سازمان با جنبش توده‌ای کارگری را بنحوی برجسته‌تری آشکار ساخت. در همین رابطه بود که کلیه فعالین سازمان به شرکت فعالانسه و گسترده در جنبش اعتراضی و مطالبات کارگری و توده‌ای فراخوانده شدند. مبارزه در راه ایجاد شکل‌های مستقل کارگری و حضور فعال در تشکلهای موجود مقابل با اخراج کارکنان و مبارزه علیه قانون کار ارتجاعی و شورای اسلامی کار، مبارزه بسیاری از فعالیت‌های دستمزددها و بویژه تلاش وسیع برای سازمان‌نگری مبارزات کارکنان علیه جنگ، عرصه‌های اصلی فعالیت ما در جنبش کارگری و افشای ماهیت کارگرستیز رژیم و طرح و پیگیری خواسته‌های کارکنان نقش فعال ایفا نمودند.

ایجاد گسترش هسته‌های مخفی کارگری همچنان در مرکز سیاست سندیگایسی سازمان قرار دارد. دستگاره رهبری فعالین سازمان می‌بایست به کار سازمان نگرانه توده‌ای در میان کارکنان توجه جدی تری نمایند. رهبری سازمان می‌باید با اختتام به تنه کارکنان در جهت پیشبرد بهترین کارها به این عرصه‌هایسی، موفقیت سازمان را در جنبش کارگری بیش از پیش تقویت نماید. ما امیدواریم که اسناد شوریک و سیاسی رهنمودهای پلنوم وسیع در این عرصه‌ها فعالیت سازمان را راه‌آه غلبه بردشوار را بگشاید. مبارزه دهقانان برای حفظ زمین‌های تقسیم شده و جلوگیری از بازگشت ملاکین به روستاها، در سال گذشته نیز ادامه یافت. تسلط ارتجاع، سرکوب مقاومت دهقانان و فشار زیاد رومسای به روستا ریهایی کار در زمینه تشکیل کردن دهقانان افزوده است. عدم توجه کارکنان سازمان به این عرصه فعالیت موجب تنزل سطح ارتباطات ما با روستاها گردید. ما باید راه‌های سازمان‌گنجش دهقانان در شرایط جدید را با ابتکار و خلاقیت کشف و راه غلبه بر مشکلات را بیابیم. فعالین سازمان باید اهمیت کار در میان دهقانان را بیش از پیش درک کنند.

در زمینه فعالیت در جنبش دموکراتیک زنان، افشای قساوت‌های رژیم خمینی علیه زنان در مرکز و روشنگری انقلابی ما قرار داشت. در جهت جلب پشتیبانی زنان دموکرات جهان از مبارزات زنان ایران کوشش‌هایی صورت گرفت. اما این کوشش‌ها بدلیل مشکلاتی که در رابطه با تشکیلات دموکراتیک زنان پدید آمدند نتوانست از بازده مناسب برخوردار شود. پدیده منفی و نگران کننده است که پس از سال ۶۱ سهم و نقش زنان در تشکلات سازمان نازل یافته است. کاهش سطح فعالیت و مسئولیت زنان در تشکلات به نقشی و تا شریک سازمان در مبارزه زنان و کار توده‌ای لطمه زده است. اکنون بویژه ضروری است موانعی که بر سر راه شرکت فعال زنان فداایی برای شرکت و مشارکت در جنبش زنان کشور وجود دارد برطرف شود. رهبری سازمان امکان‌ها و تمهیدات لازم را به منظور شرکت فعال زنان فداایی در این جنبش دموکراتیک فراهم آورد.

از فعالیت‌های مثبت این دوره انتشار مجدد نشریه پیشگام ارگان سازمان جوانان فداایی ایران (اکثریت) و بخش توزیع آن در داخل کشور بوده است. با انتشار ماهیانه نشریه پیشگام فعالیت سازمان در میان جوانان کشور گسترش یافت. توده وسیع جوانان با توجه به جوان بودن ترکیب جمعیتی کشور از سوی فعالان جوانان کشور در مبارزه علیه ارتجاع و دستگیری‌های رژیم و تلاش وسیعی را برای تجدید سازمان جوانان فداایی از ما طلب می‌کنند. توجه به این مهم در این دوره در دستور کار هیات سیاسی قرار گرفت. کاری که آغاز شده است در مقامی بسیار آنگه که باید انجام پذیرد تا چیزی است. هدف ما آن است تا سازمان جوانان به یک سازمان سرسری که هم‌وظیفه خود را تحت هدایت عمومی رهبری سازمان برعهده گیرد، تبدیل شود. هیات سیاسی بر این اعتقاد است که علیرغم انبوه مشکلات و بی‌توجهی‌ها، این کار ممکن و بسیار ضروری است. جوانان فداایی نیروی ذخیره سازمان اند. این حقیقت گویای اهمیت گسترش فعالیت سازمان در میان جوانان کشور است.

در عرصه کار در میان ملیت‌های ساکن کشور طرح‌هایی به تصویب هیات سیاسی رسیده و تلاش‌هایی برای گسترش فعالیت سازمان در کردستان، بلوچستان، ترکمن صحرا صورت گرفته است. ضرورت گسترش فعالیت سازمان در میان اقلیت‌های ملی و مذهبی کشور کاملاً احساس می‌شود. سازمان باید در دوره آتی گام‌های بلندی در این زمینه به پیش بردارد.

در سازمان‌های فعالیت توده‌ای، کار فعال در میان دانشجویان، نیروهای مسلح، پزشکان، کارمندان و بویژه دانشجویان و معلمان کشور که قبلاً از یک‌دیگر جدا شده، نیروهای چپ کشور بوده‌اند، با دشواری‌های گوناگون مواجه بوده است. بخش عمده‌ای از این دشواری‌ها البته معلول سیاست ضد دموکراتیک و سرکوبگرانه حاکمیت بوده است. اما نمی‌توان پرده‌پوشی کرد که ضعف سازمان ما در تلقین مبتکرانه و اصولی کار عملی و مخفی و عدم بهره‌گیری ضروری از امکانات عملاً موجود در جهت گسترش فعالیت‌های توده‌ای نقش مهمی در این ناکامی بازی کرده و می‌کند. هیات سیاسی مقتصدات علیرغم مشکلات و دشواری‌های موجود، اقداماتی می‌بایست با استفاده از اشکال و روش‌های مناسب مبارزه، با راه‌های رهنمودها و طرح شعارهای مناسب در جهت سازمان‌نگری این بخش وسیع نیروهای شرکت‌کننده در جنبش دموکراتیک میهن‌مان مجدداً توسعه کوشش کنیم. واحدهای سازمان در سطح کشور باید توجه ویژه‌ای به این زمینه فعالیت مبدول دارند.

رفقای!

در دوره مورد گزارش فعالیت سازمان با فداکاری ستایش‌انگیز در جنبش توده‌ای ضد جنگ شرکت ورزیدند، تراکت‌ها و اعلامیه‌های سازمان در سراسر کشور بطور مستمر انتشار یافت که همه مردم را علیه جنگ و برای صلح به مبارزه پیگیر فرا می‌خواند. فعالین سازمان ما بویژه در محیط‌های کارگری و زحمتکش‌ترین درامسازمان‌نگری جنبش توده‌ای ضد جنگ فعالانه شرکت داشتند. نفس‌دادن

مصائب جنگ، افشای ماهیت فداایی و ضد مردمی سیاست‌ها که جنگ بویژه روشنگری انقلابی پیرامون این حقیقت که چگونه جنگ در خدمت اهداف امپریالیسم در منطقه و تحکیم مواضع طبقات و نیروهای ارتجاعی جامعه است، در انفرادی در هر بیان رژیم و گسترش و ژرفش مبارزات مردم در امر روشنی جمهوری اسلامی نقش بزرگی ایفا کرده است. شرکت و حضور فعال سازمان در جنبش توده‌ای ضد جنگ و هدایت آن دارای اهمیت اساسی است که می‌بایستی همچنان گسترش بیابد.

ج: فعالیت در زمینه کار تشکلاتی

طی سال ۱۳۶۴ از طریق احیا و بازسازی شعب کمیته مرکزی در جهت تکمیل ساختار سازمانی دستگاره‌های رهبری کوشش‌های موثری صورت گرفت. بطوری که به تقویت نقش و تا شریک سازمان در هدهای جنبش انقلابی مردم ایران با یاری رساند. پلنوم مهرماه ۶۳ سیاست عدم تمرکز تشکلاتی را مورد تأیید قرار داده بود. هیات سیاسی در انطباق اصل عدم تمرکز با وضعیت مشخص تشکلات سازمان بسا توجه به تشدید شرایط خفان و سرکوب و توجه به ساختار تشکلاتی موجود و جمع بست تجارب به تکمیل و تصدیق طرح تشکلاتی بر اساس اصل عدم تمرکز اقدام نمود.

جهت این طرح از سوی متوجه افزایش درجه منیت، کیفیت و قدرت رهبری واحدهای تشکلات در سطح کشور از سوی دیگر تحکیم رابطه آنها با دستگاره رهبری و مبارزات توده‌ای بود که علیرغم برخی موفقیت‌های می‌توان گفت که با نتیجه مطلوب هنوز فاصله وجود دارد.

در این دوره نیز با توجه به پیگرد گسترده بلای سیاسی، افزایش خطر شناسایی، تشدید مراقبت و بازداشت کارکنان سازمان، مسائلی حفاظت تشکلات در مراکز اقدامات و تداوم تشکلاتی قرار داشتند. تحکیم رابطه رهبری با واحدهای سازمان نیز از اهمیت بسیار در دستور رهبری سازمان بود. است. در این زمینه‌ها علاوه بر تداوم تشکلاتی ضروری، یک سلسله آموزش‌ها برای مقابله با بلای سیاسی، رهبری تشکلاتی و کار توده‌ای تدارک دیده شد و سمایه‌ها جادرا آمد.

در دوره مورد گزارش از سوی کارکنان و فعالین سازمان در جنبش کردن نقشه‌های سرکوبگرانه رژیم که متوجه متلاشی ساختن واحدهای سازمانی می‌باشد، تلاش‌های رزمجویانه ستایش‌انگیزی صورت گرفت. پیکار فداکارانه و جانبازانه فعالین ما این امکان را پدید آورد که سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) بی‌تاب گردان پیشاهنگ طبقه کارگر ایران در جنبش انقلابی خلق حضور فزاینده خود را تثبیت کند و موقعیت خود را تحکیم نماید.

رفقای!

در این دوره هیات سیاسی کوشید تا تشکلات سازمان در خارج کشور را با اختصاص کار در تجدید سازمان آن تقویت نماید. اما ما باید تا کید کنیم که مشکلات تشکلات سازمان در خارج کشور بویژه دشواری‌های مسایلی که اعضا و هواداران سازمان در مهاجرت با آن دست‌گیر می‌شوند، توجه جدی تر به حل مشکلات آن را طلب می‌کنند.

پدیده مهاجرت سیاسی، بمنابا شکل انزیزد انضامی در برابر سرپرش ارتجاع البته دشواری‌ها و بی‌توجهی‌های خاص خود را دارد. اما نباید بی‌توجهی کرد که بی‌توجهی رهبری سازمان در هدهای طبقه نقشه مهاجرت بنوبه خود به دشواری‌ها افزوده است. علاوه بر این مهاجرت‌هایی که بنا به تصمیم شخصی انجام می‌گیرد به عنوان منفی منجر می‌شود. بر این اساس هیات سیاسی به تشکلات رهنمود داده است که برای رفقایی که با مشکلات امنیتی مواجه می‌شوند حداکثر امکانات بکار گرفته شود تا با تغییر محل کار روزندگی و سایر تمهیدات از مهاجرت بی‌هدف جلوگیری بعمل آید.

رهبری سازمان با محاسبه واقع بینانه امکانات می‌کوشد در جهت غلبه بر مشکلات ناشی از مهاجرت، به رفقای مهاجر سازمان با یاری رساند. قرار داد بیش از پیش نیروی رزمجویانه این بخش از رفقای ما در خدمت جنبش انقلابی میهن‌مان، در مرکز توجه رهبری سازمان قرار دارد.

رفقای!

در دوره قبل از پلنوم مهر ۶۳ سازمان با مشکلات مالی جدی روبرو بود. طی دوره مورد گزارش وضع مالی سازمان با تلاش و فداکاری توده اعضا و هواداران بطور نسبی بهبود یافت. لیکن با یستی در نظر داشت که بسیاری پاسنگویی به ضرورت‌های گسترش امکانات مالی، مشکلات و موانع کاملاً وجود دارند. بطور قطع باید گفت که تنگناهای مالی در عمل به یکی از موانع جدی گسترش کمی و کیفی فعالیت سازمان تبدیل شده است.

\*\*\*

رفقای ارجمند!

چنانکه گزارش نشان می‌دهد، سازمان ما در حالی که طی این دوره با اختناق و سرکوب وحشیانه رژیم مواجه بوده‌ام مجدداً کوشیده‌ام تا به وظایف انقلابی خود عمل کند. در یکسال و نیم گذشته، با رفیق منصور (محمد رضا غابریانی) عضو مشاور هیات سیاسی و رفیق رضی الدین تابان عضو مشاور کمیته مرکزی را همسران با عده‌ای از بهترین رفقایمان در راه برافراشته نگاهداشتن پرچم ما رکیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری، در دفاع سرفرازانه از منافع طبقه کارگر و توده زحمتکش از دست دادیم. در این دوره همه ما در پی کار علیه ارتجاع خمینی با فداکاری و جانبازی و با همه هستی خویش در راه آرمانهای و لای طبقه کارگر و توده‌های در بند و محنت کشیده میهن‌مان و زمینیم و لحظه‌ای از با ناستانستادیم، حال همه این تلاش‌ها، با میزان افزایش نفوذ و اعتبار و حضور سازمان در میان توده‌ها و نیروهای مترقی، زیک‌سو و با درجه تحکیم موقعیت سازمان در خانواده احزاب کمونیست و کارگری از سوی دیگر قابل ستیج است. اما ما با برنده‌ها، همه ما برآیدیم که سازمان ما با بدبختی توده‌ای فعالین خود با برپاداشتن گام‌های بلندتری هم فعالیت سیاسی خود را گسترش دهم با کار بست تداوم اشکال مناسب فعالیت سازمانی در شرایط ترور و اختناق حاکم بر کشور ما سازمان‌نگارانه توده‌ای و بویژه کار در جهت تحکیم پیوند سازمان با طبقه کارگر میهن‌مان را بنحوی سرچشمی توسعه بخشید.

رفقای!

مجموعه اسناد عرضه شده به این پلنوم وسیع تاریخی موید آن است که ما کوشیده‌ام با تکیه بر سنن ارژشمن‌دودیرپای فداایی خلق یعنی پیوندگویی انقلابی، صداقت رزمجویانه و اشتقا دجا‌مانه از خطاها و انحرافات در راه مبارزه آینده پیش رویم. برای ما فدااییان خلق همواره و این بار نیز زنی خط‌های گذشته با اشکات راه ظرفیت‌های آینده معنی پیدا کرده‌اند. بنده در مقدمه

### قطعنامه پلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) درباره وظایف مبارزه در راه وحدت جنبش کمونیستی و کارگری ایران

مبارزه در راه وحدت همه پیروان سوسیالیسم علمی در حزب واحد طبقه کارگر ایران بر اساس مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری و حول برنامہ و اساسنامہ واحد مبتنی است بر:

- مبارزه در راه حفظ و تحکیم و گسترش وحدت فکری و سیاسی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران گردانهای پیشاهنگ طبقه کارگر ایران با هدف ارتقاء آن به سطح وحدتی همه جانبه.

- مبارزه در راه تأمین وحدت فکری و سیاسی سازمان با سایر سازمانهای مارکسیست - لنینیست ایران بر اساس مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری.

اتحاد عمل و مشاوره و همکاری همه پیروان سوسیالیسم علمی در مبارزه علیه رژیم، علیه امپریالیسم و سرمایه داری و در راه آزادی و برابری و اتحاد بین المللی و اتحاد بین المللی کمونیستی ایران را تقویت می کند و راه وحدت و نزدیکی کمونیستهای ایران را هموار می نماید. این امر نیازمند جنبش کارگری و کمونیستی ایران است.

- سازمان پیگیرانه در راه گسترش همکاری، اتحاد عمل، مشاوره و همکاری میان سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران تلاش می کند.

- سازمان پیگیرانه در راه تأمین اتحاد عمل و همکاری و برقراری مناسبات با سایر سازمانهای مارکسیست - لنینیست ایران تلاش می کند.

کار بستن اشکال و شیوه های موثر و متنوع مبارزه ایدئولوژیک علیه هرگونه انحراف از مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری، علیه هرگونه انحراف "چپ" و راست در جنبش کمونیستی و در راه حفظ پاکیزگی آن جایز اهمیت اساسی است.

تاریخ هیات سیاسی...  
بقیه از صفحه ۷

رفقا! هیات سیاسی فراخوان خود در جشن پانزده سالگی را با این عبارات تزیین داد: "لنین را بخوانیم، ما پییم در این پلنوم وسیع با ردیگر بر این پیام تکیه کنیم".

اکنون در برابرمان نژاد پرستان سال بنیاد گذاری سازمان بر افتخارمان، بسا هدف دستیابی به برنامہ استراتژی و تاکتیکی ظرفیتهای و راهگشایه سوسیالیسم، با کوشش پیگیر در راه ارتقای روحیه رزمندگی انقلابی در مفسوف فداییان خلق، با تلاش در جهت هر چه محکم تر ساختن وحدت و تضامن سازمانی و با استواری در پیروان راه وحدت جنبش کمونیستی و کارگری میهنمان گناه سنگین ناپدید خلق برای رسیدن به راهی قطعی از هرگونه ستم و تبعیض طبقه ای و اجتماعی است، برآنیم که در پرتو آموزش های سترگ لنینیسم تاویل به پیروزی قطعی متحدینمان به پیش برویم.

رفقا! در ایسن ۱۵ سال، ما فداییان خلق راه پر رنج و شکوهمندی را پشت سر نهاده ایم. ما از نیروی کوچکی که از ظلمت کده نظام پوسیده سلطنتی راه رهایی خلق خویش را جستجوی کرده سازمان سراسری نیرومندی فزونی رویداده ایم که پرچم رسالت و مسئولیت تاریخی رهایی قطعی خلق خویش و رهبری پیروانمانه انقلاب ملی و دموکراتیک مردم ایران و گذر به سوسیالیسم را بردوش خود گرفته است.

تحریقه انقلابی زندگی پانزده ساله مان نشان می دهد که پیروزی قطعی و ناکزیر آمان ما هر چند به بهای جان های عزیز بی شماری که از ما می ربایند سرتاجم بردست های پهنه بسته کارگران و دهقانان، بردست های توده

### قطعنامه پلنوم وسیع کمیته مرکزی درباره تدارک کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

پلنوم مهرماه ۱۳۶۳ کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) به هیات سیاسی ما موریت داد که امکان برگزاری نخستین کنگره سازمان را از جانب مختلف بررسی نموده و نتایج را به پلنوم کمیته مرکزی گزارش نماید. پلنوم وسیع کمیته مرکزی با تأیید گزارش هیات سیاسی درباره امکان برگزاری کنگره و نظریه نقش و اهمیت ایدئولوژیک - سیاسی و تشکیلاتی کنگره ضرورت آن را مورد تأیید قرار داد و دوقرار ذیل را صادر نمود:

#### الف:

- پلنوم وسیع کمیته مرکزی به هیات سیاسی ما موریت می دهد که برگزاری کنگره سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) را با یکا و رعایت تمام امکانات در محدوده زمانی معین شده تدارک ببیند و پیشرفت کار را به پلنوم آتی کمیته مرکزی گزارش نماید.

- استادی که در دستور کار کنگره قرار خواهد گرفت عبارتند از: ۱- برنامہ سازمان ۲- اساسنامہ سازمان ۳- گزارش کمیته مرکزی ۴- گزارش ارگانهای مرکزی ۵- بررسی تظاهرات اساسی مربوط به خط مشی سازمان در درسهای ۶۱ - ۵۷ که در پلنوم وسیع فروردین ۶۵ به تصویب رسیده است.

#### ب:

۱- هیات سیاسی موظف می گردد که در اولین فرصت اسناد ذیل را جهت تصویب در پلنوم آتی کمیته مرکزی آماده نماید. ۱- برنامہ سازمان ۲- اساسنامہ سازمان

بدین منظور به هیات سیاسی کمیته مرکزی ما موریت داده می شود با انتخاب کمیسیون هایی که تحت مسئولیت هیات سیاسی کار خواهد کرد در برنامه و اساسنامہ تهیه نماید. این اسناد پس از تصویب کمیته مرکزی جهت اظهار نظر عمومی انتشار خواهد یافت. این اسناد پس از تصویباتی که بر اساس اصلاحات و پیشنهادات آرایه شده صورت می گیرد توسط کمیته مرکزی تصویب و به کنگره آرایه خواهد شد.

۲- هیات سیاسی می بایست گزارشات و طرح های زیر را جهت بررسی و تصویب به پلنوم آتی کمیته مرکزی آرایه نماید:

الف - تعیین تعداد نمایندگان شرکت کننده در کنگره ضوابط و معیارهای عملی انتخاب آنان با توجه به شرایط

ب - طرح نحوه برگزاری اجلاس کنگره و نحوه گزینش کمیته مرکزی بسا توجه به اساسنامہ سازمان

ج - طرح کمیسیون تحقیق

میلیونی مردمی که زهر تلخ رژیم سفاک خمینی در کمان است، شکوفه خواهد زد.

زننده با سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)!

برافراشته با پرچم مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری!

برقرار با دو وحدت جنبش کمونیستی و کارگری ایران در حزب واحد طبقه کارگر!

پیروزی مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

مرگ برای امپریالیسم جهانی بسر کردگی امپریالیسم آمریکا!

## به آیین آینده می آییم

همه، سلسله جنبان زمین است  
چرا که کشته گان  
ترانه هاشان را در توفان خوانده اند.  
ریشه ها دیر زمانی ست تا در خاک عطسه می زنند  
و درخت شعور در ظلمت می درخشد  
معاصران من  
زمین هزاران ساله را  
از گرده بر زمین نهاده و  
توفان را می نوشند  
داستان ما، از اینگونه است.  
نه، با ورنمی کنم که تا زیانه  
فصیح تر از عشق سخن سردمد  
و مرگ کلام بیایان باشد.  
من بر ندگان نی، را دیده ام کز او زمین به حیرت بوده اند  
و آینه های بی را  
کز پستان ستارگان می نوشیدند  
و قاصدک های را که سفر می کردند بر پیشانی با دها.

خنجرها گلوها را می بوسند و  
دا سها دستها را به دهان می برند.  
دیری ست کوجه ها در قرق تا بوث ها بند  
و جانوران گام نهاده در قلمرو آدمی  
پیشانی بر سجاده جهل می ساینند.  
ما را داستان از اینگونه است.  
نادانی از فرما نرو خویش  
مرگ محض را قربانی می فرستد  
و ستم رگ بریده ما را می مکد.  
سبب سبب شکوفه و ستاره و سورا  
به آسمان تهنی هدیه می کنند جلادان  
و کاردی رنگ زده  
در سینه عشق خلیده ست.

با اینهمه

مانی



### شرکت هیات نمایندگی سازمان در کنگره نوزدهم حزب نوده‌ای انقلابی مغولستان

کنگره نوزدهم حزب نوده‌ای انقلابی مغولستان روز هفتم خرداد ماه با شرکت ۴۱ نماینده از سازمان‌های مختلف حزبی این کشور در اولان باتور پایتخت مغولستان برگزار شد. ۷۳ هیات نمایندگان از احزاب کمونیستی و کارگری و احزاب سازمان‌ها و جنبش‌های انقلابی و دموکراتیک ۶۶ کشورها در در این کنگره حضور داشتند. رفیق اکبر دوستدار صنایع عضو و رهبر هیات سیاسی کمیته مرکزی سازمان به نمایندگی از سوی کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکتبریت)، در این کنگره شرکت داشت. دستور کار کنگره شامل بررسی و تصویب گزارش کمیته مرکزی حزب نوده‌ای انقلابی مغولستان به کنگره و وظایف آن، گزارش کمیسیون مرکزی بازرسی، گزارش هیات اساسی رشد اقتصادی اجتماعی کشور در سالهای ۱۹۹۵ - ۱۹۸۶ و بالاخره گزینش ارگانهای مرکزی حزب بود.

رفیق از مین با تمیخ دبیرکل حزب نوده‌ای انقلابی مغولستان طی بررسی اوضاع جهان سیاسی و خطرات خطرناک میلیناریستی محافظه کاران امپریالیستی و در این باره امپریالیسم آمریکا در درامین زدن به مسابقت تسلیحات هسته‌ای و توسعه پشتهای تاج و زگران و تشنج آفرینی در عرصه بین المللی اهمیت دفاع از صلح جهانی و پیشگیری از زنده شدن کشورهای امپریالیستی را مورد تاکید قرار داد و پشتیبانی سازمان ما از ابتکارات جمهوری نوده‌ای مغولستان در ارتباط با دعوت کنفرانس مشاوره کشورهای آسیای جنوب شرقی، درباره "سکند استفاده از سلاح برای حل مسایل مورد اختلاف

سویالیستی مغولستان طی سالهای گذشته مسایل اساسی و تداوم نیاز برای شتاب بخشیدن به رشد اقتصادی - اجتماعی کشور را تشریح کرد. کنگره ضمن بررسی برنامه ۵ ساله آینده کشور و چشم انداز آن تا سال ۲۰۰۰ مساله بهبود کیفیت تولید صنعتی و کشاورزی، ارتقاء سطح زندگی مادی و معنوی مردم مغولستان، کار بست دستاوردهای علمی و تکنیکی و شیوه‌های نوین سازماندهی کار رور هبیری حزبی را بطور کلی لایحه مورد بحث قرار داد و به پیروزی منتهیانه به کار خود پایان داد. رفیق اکبر دوستدار طی سخنرانی خویش در جریان کنگره ضمن یادآوری بر گزار آری کنگره و آرزوی پیروزیهای هر چه بیشتر برای حزب و مردم مغولستان در ساختن سویالیسم، پیروزیها و دستاوردهای مردم مغولستان را با همه اوقات یاد داشت.

نماینده سازمان ما با محکوم کردن تلاشهای لگام گسیخته امپریالیسم آمریکا در درامین زدن به مسابقت تسلیحات هسته‌ای و تشنج پشتهای تاج و زگران و تشنج آفرینی در عرصه بین المللی اهمیت دفاع از صلح جهانی و پیشگیری از زنده شدن کشورهای امپریالیستی را مورد تاکید قرار داد و پشتیبانی سازمان ما از ابتکارات جمهوری نوده‌ای مغولستان در ارتباط با دعوت کنفرانس مشاوره کشورهای آسیای جنوب شرقی، درباره "سکند استفاده از سلاح برای حل مسایل مورد اختلاف

و روابط متقابل مبنی بر عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر" را اعلام داشت.

رفیق اکبر دوستدار ضمن بیان در رابطه با اوضاع کشور ما، مسائل جنگ، سیاستهای جنگ افروزان و ضد مردمی جمهوری اسلامی و بهره برداری وسیع امپریالیسم آمریکا از آدامه جنگ فاجعه را برای ایران و عراق را تشریح نمود و اظهار داشت: "رژیم حاکم بر کشور ما اکنون سیاهترین استبداد دقتسور و وسطایی را بر مردم میهن ما تحمیل کرده است. همه آزادیهای سیاسی و حقوق دموکراتیک مردم ایران توسط رژیم حاکم با یمال شدت، کوچکترین مطالبات و اعتراضات کارگران زحمتکش ایران توسط رژیم حاکمی کلان سرمایه داران و بزرگان مالکان به شدت سرکوب می شود. دهها هزار نفر از مبارزان راه آزادی در زندانها بسر می برند. علیرغم این شرایط، مبارزه مردم میهن ما علیه جنگ و علیه رژیم حاکم، کسترش می یابد. نماینده کمیته مرکزی سازمان در کنگره حزب نوده‌ای انقلابی مغولستان سخنان خویش را با آرزوی پیروزی برای حزب و مردم مغولستان در ساختن سویالیسم، پیروزیها و دستاوردهای مردم مغولستان در ارتباط با دعوت کنفرانس مشاوره کشورهای آسیای جنوب شرقی، درباره "سکند استفاده از سلاح برای حل مسایل مورد اختلاف

#### بهای استقرار ...

"خارجی" ها به سود خود بهره جویند و هر کجا منافعی طلب کنند، دموکراسی " کذایی را مورد معامله قرار دهند و " اصلاح" محدود کنند. این از مفهومی واقعی "دموکراسی" های امپریالیستی را بخوبی برملا می سازد. اعمال تضییقات علیه نیروهای مترقی و مبارزان برای، در فرانسه و خارج رهبری سازمان مجاهدین از آن کشور در دفتر همسایه نیروهای ترقیخواه ایران و جهان قرار گرفته است. اقدام دولت فرانسه منافع ایران را در ملت فرانسه و منافع ایران را در کشورها نمانده و آزادمانده مردم این کشور، و برضد منافع مصالح مردم ایران است. ضرورتاً فعالیت آزادانه نیروهای ارتجاعی و سلطنت طلب ایران در فرانسه در یک کلام اثبات می کند که دولت فرانسه و رژیم ایران دقیقاً بر سر فریب زدن به جنبش ترقیخواهان ایران به معامله نشسته اند.

عکس العمل رهبری مجاهدین در برابر بر فشارهای دولت فرانسه و انتخاب عراق بعنوان محل استقرار دستگاه رهبری مجاهدین مساله ای است که بلافاصله مورد توجه نیروهای ترقیخواه ایران است که جلا فک رهبری مجاهدین عراق را برای اقامت خود انتخاب کرد و پی آمدن گزینش برای مجاهدین چو خواهد بود اما به ما این انداز که برای سازمان مجاهدین ارزش قابل هشتم و به سر نوشت آن علاقه مندیم. طرح این سئوالات را ضروری و پاسخ بدانها را خصوصاً از سوی خود مجاهدین بسیار لازم می دانیم. به اعتقاد رهبری سازمان مجاهدین در انتخاب عراق نیز سطر رژیم صدام برای محل اقامت خود دچار اشتباه بسیار فاحشی شده است. چرا؟ قبل از هر چیزی بدین دلیل که رژیم عراق رژیم ارتجاعی امپریالیستی و سرکوبگر و در حال جنگ با نیروهای مترقی است. کشور است. بدین دلیل که این رژیم همین امروز مردم مجاهدین عراق را سرکوب می کند و برای نابودی همه سازمانهای انقلابی و ترقیخواه عراق به هر حرب و حیله ای متوسل می شود. بدین دلیل که این رژیم از هر وسیله ای برای افکار مردم عراق و جهان عرب، " مثبت" جلوه دادن خود و تضعیف مواضع مخالفین مترقی خویش بهره جوید. علاوه بر این رژیم عراق مثل رژیم خمینی، مورد نفرت مردم میهن ما است و بعنوان رژیم جان سنی، و خونخوار، رکه دوش بدوش رژیم خمینی، با الفصل مشمول کشتار مردم ایران و عراق و ویران ساختن دموکراسی است. کلا شناخته شده است.

تصمیم رهبری مجاهدین به تبدیل عراق به مرکز فعالیت های خود انتخاب " کمک های" رژیم بغداد در مبارزه علیه رژیم خمینی در راستای همان سیاست قبلی مبنی بر حمایت رژیمهای منطقه است. سیاست جلب حمایت ارتجاع منطقه و کشورهای غربی و احزاب حاکم این کشورها برای مبارزه علیه رژیم خمینی، یکی از نتایجی که به ما می آید، آوردن به بر راه گشادن خود مجاهدین است. ممکن نیست که قرب امپریالیستی و ارتجاع منطقه بدون جدا بگریزی دقیق و بدون آمیخته تغییر سیاست نیروهای مبارزه آنان با یاری رسانند. حمایت آنها به مبرانی است که نیروهای مورد حمایتشان به خواسته های آنان گردن نهند و مواضع خود بسود آنها دست شویند.

علیرغم اینکه رهبری مجاهدین سیاست سازمان را در انتخابی در پیش گرفته و " محتاج" های لازم را برای جلب حمایت هر چه بیشتر احزاب " پرنفوذ" حاکم و غیر حاکم کشورهای غربی بکار بست، علیرغم

اینکه بیش از پیش بین خود سازمانها و انقلابی و دموکراتیک خط و مرز کشیده و حساب خود را ز آنها جدا کرده، ولی با اینهمه سرانجام محافظه کار امپریالیستی فرانسه بدینا ل توافق با رژیم ضد مردمی جمهوری اسلامی و گشوده شدن چشم اندازها برای تحکیم جای پای خود در ایران سرسما دهی به معامله نشستن. این واقعات با دیدگاه اندیشه کافی برای رهبری مجاهدین عبرت انگیز و هشدار - دهنده می باشد، اما قاضی ای خیر و نقل مکان رهبری مجاهدین به بغداد، عکس قضیه را نشان می دهد. علیرغم اینکه رهبری مجاهدین عزیمت به عراق را " قسز جدید" و " حقیقی" موقوف انقلابی، توصیف کند، این اقدام بی آینده و دنیا لجه سیاست و " کاتکتیک" به بن بست رسیده قبلی مبنی بر جلب حمایت امپریالیستها از انقلاب ایران است. جلب حمایت غرب و جلب حمایت ارتجاع منطقه و حکومت های جا برو ضد مردمی و سرکوبگر آنها، سیاست واحدی است که هیچ " فاز جدید" و هیچ حرکت " خارق العاده" در آن مشاهده نمی شود.

سیاست جلب حمایت حکومتها و ارتجاعی منطقه بطور طبیعی نمی توانند با همه وستان همراه نباشد، و با آلمان نازی هر چه بیشتر تشریف بری از این حکومتها قرین نگردد. این سیاست علاوه بر زود کردن مجاهدین از نیروهای ملی و دموکراتیک ایران زمینها را دوری هر چه بیشتر مجاهدین از نیروهای مردمی و سازمانها و احزاب ترقیخواه این کشور - هاست که علیه جوریست حکومتها و ضد مردمی کشور خود مبارزه می کنند. چنین سیاستی در خدمت جلب حمایت نیروهای مردمی و ترقیخواه و نوده های تحت ستم این کشورها از مبارزات به حق و مقاومت مردم ایران نیست. در این میان متکی شدن بر رژیم عراق برای مبارزه علیه خمینیست، سیاست مدهای با زهم مخرب تر به همراه دارد. از نظر مردم ایران و عراق خمینی، و صدام هر دو در خدمت با خلق سرتو یک کربا سندن. خمینی، رژیم و جنگ افروزی با اهداف تاج و زگران و پافشاری بر آدامه جنگ ارتجاعی، جان بی شمار و هبیری مردم ایران و عراق را نابود می کند، و صدام جنا بیکار و نیزه ر آنچه که در توان داشته علیه مردم عراق و ایران در پیش نکرده است. خمینی، قاتل هزاران انقلابی، و مبارز و میهن دوست است. شگفتیهای آن مدفن مبارزین راه آزادی است. و صدام رژیم نیز سنان او به سرکوب خونین جنبش مردمی عراق به شکنجه و کشتار انقلابیون و مبارزین و به سرکوب خلق کرد عراق مشغول است.

مردم ایران و عراق با سیاست استکبار به " کمک ها" و مکارناات رژیم عراق برای مبارزه علیه خمینی، رژیم بیگانه نهند. چنین سیاستی سبب آن است که رهبری مجاهدین در مقابل و خشنک ترین جنایات رژیم عراق علیه مردم و انقلابیون خلق در بن بست عراق سکوت کند و حتی عملاً رژیم تسهیلگر عراقی را حمایت نیروهای مبارز جلوه گرازد. رهبری مجاهدین با بیاد تجربیات گذشته پندش کرده. سر نوشت نیروهای ترقیخواهی که علیه رژیمهای ارتجاعی ایران و عراق طی سالهای گذشته می جنگیدند و در بن بست مکارناات طرف مقابل متکی شدند به اندازه کافی هشدار ردهنده است و کافی است تا رهبری مجاهدین را بخود آورد. رهبرای ایران و عراق طی تاریخ معاصر همواره از نیروهای اپوزیسیون کشور مقابل که به مکارناات آنان برای پیشبرد مبارزه در میهن خود متکی شده اند، سو استفاده کرده اند. رژیم صدام نیز از این قاعده مستثنی نیست. رژیم عراق از زمان ابتدای

جنگ کوشید تا هم از اپوزیسیون ترقیخواه ایران و هم از اپوزیسیون ارتجاعی برای تحقق اهداف خویش سودجوید. اکنون نیز اهداف جنگی صدام باعث این " نزدیکی" ها و " حمایت هاست. این رژیم مستبد خودخواه به محض پایان جنگ هیچیزان مشترکی با مبارزین مخالف رژیم ایران نخواهد داشت و بر سر آنها با رژیم ایران به معامله خواهد نشست. اقلاً ارتجاعی حاکمات عراقی در آمریکا و فرانسه نیز آشکارا نمونه این واقعات را است. مقاصد صدامانه رژیم صدام را فاش می سازد. استقرار دستگاه رهبری سازمان مجاهدین در عراق به سیاست جلب حمایت ارتجاع عرب از سوی آنها سرعت خواهد داد. گریشات دوری از نیروهای انقلابی و مترقی ایران و عراق را در آنها شددت خواهد داد. در نیروهای هوا دار مجاهدین آموزشها تا ثیرات مخرب و گریشات مثبت نسبت به رژیم متجاوز ارتجاعی عراق که خون مردم عراق را در شیشه کرده است، ایجاد خواهد نمود. به ذهنتیت مردم نسبت به آنها ضربات جدی وارد خواهد ساخت و از ارتجاعیاتی متناسم برای دژخیمان حاکم بر ایران و اپوزیسیون ارتجاعی، جهت تضعیف نیروهای دموکراتیک در اذهان مردم، فراهم خواهد آورد.

ما یک بار دیگر به مجاهدین خلق هشدار می دهیم و آنان را از کام گذاردن در راهی که بارها تجربه شده و شکست خورده است، بر حذر می داریم. ما از رهبری مجاهدین می خواهیم که سیاست نزدیک و جلب حمایت غرب و ارتجاع منطقه را رها سازند و دستی و اتحاد با نیروهای مبارز امپریالیست، دموکراتیک و انقلابی کشورهای تلالی برای جلب حمایت جنبش های رها بی، بخش ملی، و اردوی انقلاب جهانی از مبارزات مردم ایران را پیش گیرند. چنین سیاستی با اهداف ترقیخواهان بنیادگذاران سازمان مجاهدین خلق ایران انطباق دارد و در راستای آرمانهای مردمی آنهاست. تنها چنین سیاستی در خدمت تقویت اپوزیسیون ترقیخواه در پیکار علیه رژیم خمینی است.

جوهر مواضع سازمان ما در مقابل رویدادهای اخیر در رابطه با مجاهدین در گزارش هیات سیاسی به ملتوم وسیع کمیته مرکزی سازمان در فروردین ماه ۱۳۶۵ توضیح داده شده است. در این گزارش آمده است: "... ما کمرا از آن جدا هستیم دعوت کرده ایم به راهی برگردند که از ترک کرده اند. امتناع از همکاری و وحدت عمل با جنبش کمونیستی و کارگری ایران، که یگانه نمیشد، آن بی بیم از امپریالیسم و بورژوازی بزرگ است. فدییت با کمونیستها که از سیاست جلب حمایت دوستی با امپریالیسم و ارتجاع نیز سرچشمه می گیرد. قیل از همه هرگونه خصلت دموکراتیک و ترقیخواهانسه حاملین آرا ما چ خود قرار می دهد. ... ما امیدواریم که تضییقات اخیر ماحل ارتجاعی، و راست فرانسه علیه مجاهدین، رهبری آنان را به درک آثار مخرب سیاست جلب اعتماد امپریالیسم رهنمون شود و به تجدید نظر در مواضع کنونی سوق دهد. با سیاستی که مجاهدین دنبال می کنند، آنچه که امروز در فرانسه علیه مجاهدین در حال تکوین است، فردا ممکن است در جای دیگری تکرار شود. علاوه این مسلم است که اگر چشم اندازها را با این روششنش شود، دلایل کنونی برای صدام چنانیکار کانی نخواهد بود که به حمایت سیاسی و مادی خود از سازمان مجاهدین ادا می دهد. "

### کار سازمانگرا نه در میان زنان

سلطه‌ها برانه حاکمیت قرون وسطایی ولایت فقیه هر روز با ابعاد فاجعه‌آمیزتری زندگی اکثریت زنان کشور را در تنگنا قرار می‌دهد. جنگ خانمانسوز داغدار کرده است. اختناق سیاه هر روز فرزند را از مادر می‌رباید تا در پناه محوهای مخوف رژیم بدست شکنجه و مرگ بسپارد. گزائی، بیکاری، فقر و فلاکت هزاران خانواده را از هستی ساقط کرده و مادران و کودکان را در جستجوی لقمه‌ای نان طعمه حرض و آرزوگشایان حاکم می‌گرداند. آوارگی و بی‌خانم‌ها بی‌گسترش فحشاء در میان زنان جنگ زده دامن می‌زند.

اکبرچینی فاجعه‌ای که هست و نیست زنان را بنیاده ما را مورد تهاجم قرار داده است. بی‌حقوقی آنان را در عرصه‌های مختلف زندگی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و خانوادگی نیز غلظت می‌دهد. نمایی واقعی زندگی دردناک زنان در جامعه ما روشن‌تر می‌شود. سلب آزادی‌های فردی و اجتماعی زنان، طردن آنان از عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی احیاء قوانین عدالتی در زمینه مناسبات خانوادگی و تبلیغ آشکار "تعدد زوجات" و "ادواج‌های موقت"، یعنی ترغیب مردان در پشت‌پازدن به بنیان خانواده و در یک کلام اعمال ستم و خبیثانه بر مبنای تبعیضات جنسی، امروز زنان ما را بطوریکه رجه به تعارض بینا رژیم می‌کشد تا در درون حاکمیت چندین ساله اش نه تنها بر تمام موازین پذیرفته شده بین المللی در رابطه با حقوق زنان پشت پا زده، بلکه حقوق ناچیزی را هم که زنان طی سالها مبارزه کسب کرده بودند از آنان سلب کرده است. چنین تعارض آشکاری اگر سازمان داده شود می‌تواند جنبش دموکراتیک و انقلابی زنان را علیه مظالم دستگاه خودکام ولایت فقیه بطور نیرومندی به حرکت درآورد.

کار سازمان یافته‌ای در میان زنان که می‌تواند بنیان "کارپایه" در جهت متشکلی و متحد شدن جنبش دموکراتیک زنان ایران نقش قطعی ایفا نماید می‌بایست با تمام نیرو و زحمت فعالین ما به پیش برانده شود. تعداد و نارسایی و نواقص در انجام این وظیفه بسیار مهم به انفعال و سکون در سطح پاره‌ای از کارها و فعالین زن در سازمانهای انقلابی دامن خواهد زد و نتایج زیانبار جبران ناپذیری ببار خواهد آورد. بنا نسایل انقلابی موجود در بین توده‌های زنان و سطح مطالبات آنان و روحیه تعارضی و رزجی که زنان از جنبش گسترش هر چه پدیده‌ها متفرقا لیت دموکراتیک و انقلابی در میان زنان کشور را از ما طلب می‌کند، انفعال و کم‌تجربگی در سطح فعالین آگاه و پیشرو زنان، جنبش دموکراتیک زنان ایران را از انجام وظایف خویش بازمی‌دارد و از نفوذ اندیشه و آگاهی انقلابی دموکراتیک و سوسیالیستی در میان توده‌های زنان ما محو می‌آورد.

برای پاسخگویی به مطالبات جنبش دموکراتیک زنان ایران، زنان فدایی، فعالین و کارکنان رزمنده سازمان ما، باید با توجه به امکانات رندیا بنده موجود در جهت احیاء و گسترش فعالیتهای انقلابی خود در میان توده زنان میهن ما برآیند. در شرایط کنونی کار سازمان یافته توده‌های در میان

زنان و وظیفه عاجل و ناخیرنا پذیر فعالین ما در هر سطح از جنبش توده‌های و در هر گوشه زمین ما است.

کارها و فعالین زن در قدم اول باید در جهت ایجاد امکانات کار اجتماعی برای خود حرکت کنند. باید به هر قیمتی کار جدیدی را خانه‌ها ترک گفت. به میان توده زنان رفت. اینجا در روابط پدیدار عرصه‌های معین کار اجتماعی بهترین شیوه برای سازمان دادن کار توده‌های فعالین زنان است. در کنار آن می‌توان از اشکال دیگر روابط اجتماعی که خلعت نا پایدارتری دارند استفاده نمود. فعالین زنان می‌توانند به روش‌های موجود در میان اقشار و گروه‌های مختلف زنان و با توجه به تحلیفات و سنجش‌های مختلف از جایگزین‌های بهترین شیوه برای سازمان دادن کار خود استفاده نمایند. برای کار در میان زنان در جهت داد و ستد و عواطف جریحه‌دار شده آنان را جهت داد و ستد کار می‌تواند در جهت فعالیت‌های سیاسی و طبقاتی ارتقا دهد. شرکت در محافل و نشست‌های زنان و وقتی با کوشش برای ارتقای سطح آگاهی آنان به حقوق و دشواری‌های ارتقای سطح مطالبات آنان تا به حد می‌تواند در جهت تحکیم پیوند رزجی با توده‌های سازمان با زنان کشور تجهیز آنان به اهداف جنبش‌ها و گرایش زنان ایران در آید. آن دسته از فعالین زن که "خودجزم" خانواده‌های جنگ زده یا خانواده‌های شهید هستند و یا عزیزان آنان در شرایط تعارض بینا رزجی زندگی است می‌توانند در جهت سازمان دادن کار در میان زنان جنگ زده و خانواده‌های شهید و زندانیان سیاسی حرکت کنند و این محافل و کار توده‌ها را به عرصه کار سیاسی علیه رژیم بدل کنند.

برای جلب زنان به مبارزه باید توجه ویژه به مسائل و مشکلات هرمنف و گروه زنان را مبذول کرد. در کنار این مسائل می‌توان بر اساسی ترین موهوب‌ها که در حال حاضر مشکلات خاص زنان را تشکیل می‌دهد، تکیه کرد. یکی از این مشکلات مساله "تعدد زوجات" است که امروز بطور وسیعی در میان اقشار مختلف زنان مطرح می‌شود. احساس ناامنی و وحشت آنان را از منزلت شدن بنیان زندگیشان برمی‌انگیزد. زنان ما در محفل جمعی باید از حیثیت خانواده و حقوق و شرف انسانی زنستان دفاع کنند و به افشای احکام و قوانین ارتجاعی و زن ستیزانه حاکم جمهوری اسلامی بپردازند. تحصیل حجاب یکی از شدیدترین عرصه‌های تحقیر و ستم بر زنان است که بویژه زنان کارمند و کارگر و دانشجویان و محصلین علیه آن مبارزه خود را گسترش می‌دهند. ما باید بتوانیم پرچم مبارزه در این عرصه بسیار مهم را در همه جا به کف گیریم و مبارزه زنان علیه حجاب را بصورت سازمان یافته گسترش دهیم.

بدیهی است شکل کار باید منطبق با سطح و وسعت مطالبات و اشکال مبارزه زنان در هر منطقه باشد. تجربه نشان داده است که شیوه درست و اصولی زندگی خانوادگی رفقای ما، بویژه در محصلات و زحمتکش‌ترین و رفته رفته رزجیده و متعین آنها در محیط‌های کاری، محلی است برای جلب زنان هم‌محلها و همکاران. به عقایدات امیل انقلابی رفقا و ایجاد محیط مناسب برای تبلیغ افکار مترقی و نیز تبلیغ اهداف و شعارهای سازمان در میان زنان و خانواده‌ها

با ایجاد کار توده‌های در محلات نظیر کلاسهای مبارزه با بیسوادی، خیاطی، گلدوزی، گلکاری، رایتگری، تزئینات و بنا نسیم و نظایر آن امکانات مناسبی برای برقراری ارتباطات موقت و دائمی با زنان می‌توانند پدید آیند. در این کار توده‌ها باید به هر قیمتی و با هر وسیله‌ای در جهت ایجاد ارتباطات و همکاری‌های سیاسی روزانه با زنان می‌توان از بنیان‌های موجود استفاده کرد. برای مثال، می‌توان از بنیان‌های سیاسی روزانه با زنان می‌توان از بنیان‌های موجود استفاده کرد. برای مثال، می‌توان از بنیان‌های موجود استفاده کرد.

بدیهی است از میان تمام این اقشار ولایت‌های زنان، کارگاه‌ها، کارخانه‌ها و سازمان‌های در میان زنان کارگر، زنان زحمتکش شهری و زنان روستایی برای ما از اولویت و اهمیت خاصی برخوردار است. در حال حاضر بیشترین صدمات مادی و معنوی متوجه این دسته از زنان میهن ما است. طبعا زمینه‌های جذب افکار رزجیخواهانه توسط این دسته از زنان فراهم تر است. برای کار در میان زنان زحمتکش از میان اقشار با چهره‌های محبوب و کارمندان از میان خود آنان بویژه در محلات فقیرنشین روستا و شهرها، کلاس‌های تربیتی، کلاس‌های آموزشی و کلاس‌های فرهنگی را می‌توانند سازمان دهند. وسیع گزینش‌های متعددی از زنان در محلات خود با شد. جلب و جذب اینگونه زنان به صفوف سازمان و جنبش دموکراتیک زنان ایران، یکی از اشکال خودویژه سازمان‌گیری جنبش دموکراتیک زنان در شرایط کشور ما است.

کار و حرکت آگاهانه فعالین ما در محیط‌های گوناگون اجتماعی، اگر بدرستی پیش برده شود منجر به ایجاد روابط پایدار می‌شود که بر زمینه‌های آن می‌توان کار سازمان یافته دموکراتیک را در میان زنان بنیان گذاشت. بدین منظور فعالین زن در محیط‌های مختلف اجتماعی می‌توانند با ایجاد روابط نسبتاً مستحکم، با شناخت عناصراکام و مطمئن از میان زنان، به ایجاد هسته‌های مخفی فعالین زن در محلات و محیط‌های کار رهت‌گمارند. بدیهی است به این هسته‌ها نباید هیچگونه رندتیک‌بالاتنی و یا سازمانی از جانب رفقای ما برده شود. این هسته‌ها می‌توانند همچون اشکالی از روابط سنتی در میان زنان که در عین حال دارای مضمون کاملاً دموکراتیک است سازمان داده شود. وظیفه اساسی این هسته‌ها با لابردن سطح آگاهی زنان در زمینه حقوق و بیزه خود و ارتقای مطالبات و مبارزات اجتماعی و سیاسی آنان در جهت کسب این حقوق است. این هسته‌ها می‌توانند با تحرک لازم در شرایط و بیزه وظایف دیگری را نیز بعهده گیرند. مثلا اینجا کمیته‌های امداد در هنگام بمباران مناطق مسکونی ایجاد کمیته‌های رفاهی در محلات جهت بیگسری مطالبات عمومی مردم محل نظیر برق، آب، تلفن، اسفالت و غیره... این هسته‌ها که در محصلات، کارخانه‌ها، ادارات، مدارس، دانشگاه‌ها و محیط‌های مختلف اجتماعی شکل می‌گیرند در میان وسیع‌ترین اقشار زنان مضمون واحدی را که همانا تحقق حقوق دموکراتیک آنان است، پیش خواهند برد. این هسته‌ها که برای تحقق حقوق دموکراتیک سازمان یافته‌اند، در شرایط مناسب می‌توانند واحدهای پایه برای تشکیل دموکراتیک زنان عمل خواهند نمود.

## بهار من

همیشه می‌گفتم :

طلوع روشن خورشید ، انتظار من است  
و هر دریچه که بر باغ پر شکوفه باز شود  
سرود سبزل انگیز روزگار من است .

هلا ... دل عاشق !

به بوته ، بوته این باغ شب گرفته‌ما  
شکوه خنده خورشید را ، دوباره ببین

در ازدحام عطشناک شادی مردم

هلا ... دل عاشق !

تو با تمام تپشهای عاشقانه خود

مرا به شوکت این شور عاشقانه ببر  
مرا شکوفا کن !  
که از طراوت این باغ ، بهره‌برگیرم  
مرا به آبی سرشار این ترانه ببر .

تو خوب می‌دانی

شکوه جنبش این باغ ، برگ و بار من است

و هر ترانه که گل می‌کنده سینه خلق

همان ، بهار من است

" رضا مقصدی "

### مبارزه کارگران علیه اعزام به جبهه

همزمان با کارزار تبلیغاتی وسیعی که رژیم خمینی برای جلب و اعزام نیرو به جبهه‌ها برپا داده، سبیل بخشنا می‌ها و دستورالعمل‌های محرمانه دولتی برای اعزام اجباری کارگران به جبهه‌ها نیز تهیه و آماده‌سازی شده است.

نخست وزیر رژیم خمینی همه کارخانجاتی را که از بودجه عمومی دولت استفاده می‌کنند، موظف کرده است که پرسنل موردتقاضای سپاه پاسداران، اعم از کارگران متخصص و غیره را روانه جبهه‌ها کنند. طبق دستورالعمل دولت هیچ کارخانه و کارگاهی حق ندارد کارگران را در کارگاه خود نگاهداری کند. در صورت استفاده از کارگر مشمول، باید مشخصات او را در فرم مخصوص موجود در وزارت کار و امور اجتماعی درج کرده و به وزارت کار ارسال کند.

رژیم جنگ افروزمی خوبی می‌داند که کارگران به تنهایی با اعزام به جبهه‌ها نیستند، بلکه به اشکال مختلف علیه جنگ و جنگ افروزان حاکم مبارزه می‌کنند. انگیزه اصلی صدور این بخشنامه فزونی بخشیدن به اعتراضات و توده‌های کارگران علیه جنگ و نیز جلب نیروی انسانی لازم برای جبهه از طریق تهدید و تطمیع کارگران است. مهمترین حربه تهدید، اخراج است. قطع نظر از تاثیر مخرب بحران اقتصادی در گسترش اخراج‌های عظیم، با ایدئولوژی‌های چپ‌گرایانه که از اصولی است، اخراج توده‌های کارگران، تا مین نیروی انسانی برای جبهه‌های جنگ است.

رژیم سال‌ها پیش کارگران را به جبهه‌ها اعزام می‌کرد تا در جبهه‌ها با کارگران دیگر با هم برخورد کنند. توطئه سبیل کارگران برای اعزام به جبهه‌ها، متوجه تمامی کارگران اعزام‌شده و بیگانه‌هاست و دامنه‌اش بیابای بحران بسپس نیروی انسانی برای جبهه گسترده‌تری می‌شود. در سال گذشته ۳ درصد کارگران واحد مشمول طرح "اعزام داوطلبانه" به جبهه‌ها بودند. این "سهیم" ابتدا به ۱۰ درصد رسید.

به ۲۰ درصد رسید و اکنون، مدتی است که صحبت از افزایش آن تا ۴۰ درصد می‌آید. این طرح ظاهراً طرح شرکت "داوطلبانه" در جبهه‌هاست، اما از آنجا که هیچ کارگری داوطلب خودکشی نیست، طی ماه‌های اخیر به طرح اعزام اجباری کارگران بدل شده است. رژیم سپس از شکست مفتضحانه این طرح به توطئه تازه‌ای دست زده و آن "قرعه‌کشی" برای اعزام کارگران به جبهه‌هاست.

طرح قرعه‌کشی برای اعزام به جبهه‌ها نشان دهنده شکست بخشنا به زمستان ۶۴ هیأت دولت است که تحت عنوان "ایجاد تسهیلات و تامین مزایای ویژه" برای کارگران اعزامی به جبهه، صادر شده بود. طی ماه‌های اخیر، فشار و تحقیقات اقتصادی رژیم علیه کارگران بخاطر امتناع آنها از شرکت در قرعه‌کشی بی‌سابقه‌ای افزایش یافته است. در کارخانه‌های با تشکیل "طاق جنگ"، توسط واحد بسیج سپاه، نظمی بر سازمان‌های حاکم شده و مسئولین مربوطه به کارگران می‌گویند: همانطور که زمینداران اسلام در جبهه‌ها شهید می‌شوند، شما هم باید در اینجا تا مرز شهادت بماند. رژیم در بسیاری موارد کارگران را در شرایطی قرار داده که بین اخراج و اعزام به جبهه یکی را انتخاب کنند. مسئولین دولتی در کارخانه‌ها تا مین سازی اراک، اسامی ۷۰۰ نفر را اعلام کرده‌اند که برای تقیه حساب به مدیریت مراجعه کنند و همزمان با آن گفته‌اند ۲۰٪ از بقیه کارگران باید به جبهه بروند و بقیه با خریدن اخراج خواهند شد. کارخانه شیرپاستور نیز به کارگران گفته‌اند با استعفای بدهید یا به جبهه بروید. در کبان تا ابراً اعلام کرده‌اند که تا یک ماه دیگر مواد اولیه کارخانه تمام می‌شود. این وقت همه باید بروند و جبهه وزارت صنایع طی بخشنامه‌ای خطاب به مسئولین کارخانجات تا بعه خود تصریح کرده است که تا جبهه‌ها گاهی درآمدهای ارزی در صورتی که نتوانند به استفاده از صنایع داخلی به تولید خود ادامه دهند،

کارکنان خود را به جبهه‌ها اعزام کنند. در شرکت زمزم نیز که بخاطر بحران اقتصادی رژیم، تولیدات مختل شده است، بین کارگران فرم اعلام آمادگی برای اعزام به جبهه توزیع شد، اما با وجود آنکه خطر بیگاری اکثریت کارگران این واحد را تهدید می‌کند، تنها عده معدودی حاضر شدند. اعزام را برکنند. کارگران کارخانه کفش ملی به توزیع فرم اعزام شدیداً اعتراض کرده و از برگرداندن امتناع کردند. کارگران بخش نسوجان نکا چوب با اعتراض جمعی خود مسئولین را وادار کردند که فرم اعزام اجباری به جبهه را پس بگیرند. در بسیاری از واحدها بدنسازان امتناع یکپارچه کارگران از شرکت داوطلبانه در قرعه‌کشی، رژیم اقدام به قرعه‌کشی برای اعزام اجباری کارگران نمود و این عمل بسا واکنش اعتراضی کارگران مواجه شد. در واحد ایران پولین رخت علیرغم آنکه مدیریت فشار علیه کارگران را تشدید کرد، هیچک از هزار کارگر آن داوطلب اعزام نشدند. در کارخانجات روغن سازی ایران، فیلیس، با یک بشتون و قرقره زیبا هیچ کارگری حاضر نشده جبهه بروند. در بانک بشون، مدیریت خواست از فیهرت اسامی کارگران عده‌ای را برای اعزام انتخاب کند، اما کارگران با تهدید به اعتصاب این توطئه را خنثی کردند. در قرقره زیبا نیز انجمن اسلامی فیهرت اسامی ۲۰ کارگر را برای شرکت در قرعه‌کشی، اما با اعتراض شدید کارگران مواجه گردید. کارگران دروسیل سازی خاورده اعتراض به اعزام اجباری به جبهه، در محوطه کارخانه اجتماع کردند. کارگران شرکت کوما تسویه قرعه‌کشی برای جبهه شدیداً اعتراض کرده و گفتند: حتی اخراج هم نمی‌تواند ما را به رفتن به جبهه وادار کند. هر چند امتناع کارگران از شرکت داوطلبانه در قرعه‌کشی هر روز دامنه گسترده‌تری می‌یابد اما هنوز فاصله زیاد زمان و هماهنگی لازم است. کارگران پیشرو آگاه باید تمام نیروها را زمانه تمام اعتراضات بپراکنند، اما ربه گسترش کارگران علیه اعزام اجباری به جبهه‌ها بکوشند. با دیدن ربه علیه اخراج را بیش از پیش با میان جبهه و رژیم جنگ طلب خمینی بی‌پرونده‌ها دورچم جنبش توده‌های کارگران علیه جنگ و رژیم ولایت فقیه را با شعار "زنده باد صلح، مرگ بر خمینی جنگ افروز" بدست گیرند.

اقتصاد ... بقیه از صفحه اول

ارتزخمینی به کارگاه‌های صنعتی بزرگ، صرف خرید مواد خام از خارج می‌شود. اعمال محدودیت جدید در واردات مواد خام و قطعات یدکی، که تولید اکثریت مطلق صنایع مبادان وابسته است، می‌تواند ویرانگر و تعطیل کارخانجات بسیار وابسته نیروی ربه همراه خواهد داشت. کارخانجات یکی پس از دیگری به دلیل نرسیدن مواد خام و قطعات یدکی تعطیل می‌شوند. روند فوق در ماه‌های آتی بدون تردید گسترش بیشتری خواهد یافت.

برنامه رژیم برای مقابله با بحران "انتقال فشار بر دوش زحمتکشان" که گاهی شدیدترین‌هاست، نیاز برای تهیه مایحتاج اولیه و ضروری مردم اورت بیشتر است. کارگران رژیم این سیاست ضد خلقی را تاکنون به اشکال و زبانهای مختلف از جمله در "برنامه منوبین اقتصادی" خود اعلام داشته‌اند. زنجانی وزیر برناما موبودجه رژیم در یک مباحثه مطبوعاتی اهداف مورد نظر رژیم دولت در شرایط نوین اقتصادی را چنین اعلام داشت: "تا مین نیازهای جنگ استفاده حداکثر از امکانات کشاورزی و تا مین نیازهای معیشتی اعلام ساختار اقتصادی صنعتی و تغییر الگوی مصرف واقعیت این است که رژیم جز تا مین نیازهای جنگ و تغییر الگوی مصرف که به معنی سرباز زدن از تا مین بخش، از نیازهای مردم هدف دیگری ندارد و با اهداف مورد نظر دولت، تنها شعار و برای فریب کارگران و زحمتکشان است. زنجانی در همان مباحثه اعلام داشت که بر اساس برنامه نویسی اقتصادی، دولت تنها برای نیازهای جنگی و بخش از نیازهای معیشتی مردم ارز تخمین خواهد داد. اودیگر نیازهای مردم را "نیازهای تا نویه اجتماع" خواند و تا مین از تا مین تا مین قدرت تولید داخلی کرد. این در شرایطی است که تولید داخلی به بنایه اعتراف خود مسئولان رژیم قادر به تا مین هیچک از نیازهای اهالی شهرها و روستاها نیست. جندی پیش وزیر صنایع سنگین رژیم به این واقعیت اشاره کرد و گفت: "همه چیز ما لان درگرو و ارباد است... روزی روزی مردم هم درگرو واردات می‌باشد (کبهان ۱۷ شهریور ۶۴)."

جز دیگر برنامه منوبین اقتصادی "رژیم تشدید روزافزون وابستگی اقتصادی ایران به کشورهای امپریالیستی است. رژیم درمداست از طریق

سیاست حق العمل کاری و بیادالایی، صنایع و اقتصاد کشور را بواسطه ارزانی قیمت کشورهای غربی، دست نشاندگان بدل کند. زنجانی فاش ساخت که "سیاست حق العمل کاری و بیادالایی مواد خام و قطعات و وسایل برای صادرات و تولید مشترک برای بازار سوم مورد توجه است. این تحفه رژیم خمینی، دامنه همان سیاست ضد خلقی شاه با رژیم، بسیار بدتر و الگو برداری از کشورهای "برادر نظیر ترکیه است. جنبه دیگر "برنامه منوبین" عبارت است از صدور نیروی انسانی. زنجانی گفت: "سیاست اعزام نیروهای متخصص به خارج از جمله محوری برنامه منوبین اقتصادی است. کبهان ۱۳ خرداد ۶۵" "مورنوبین" را روشن تر توضیح داده و پیشنهاد کرده است که رژیم بیکاران ربه خارج از کشور بفرستد و از زرد ریاضتی منبع درآمد تا زهای برای خوددستی بکند.

"برنامه" رژیم برای غارت زحمتکشان، به مین جایبان نمی‌پذیرد. رژیم برای رها، گریبان خود از جنگ بحران و تا مین هزینه‌های جنگ و فریب ساختن شکم سرما به داران و خونه‌های حکومتی، برنامه‌های وسیع تری دارد که "سیاست مالیاتی" جزء مهم آنرا تشکیل می‌دهد. حکومت در سال گذشته بالغ بر ۱۰۰ میلیارد تومان مالیات (یعنی بطور متوسط زهرنفرانم از کوچک و بزرگ ۲۵۰۰ تومان) از یک خانواده ۴ نفری بیش از ده هزار تومان مالیات دریافت کرد. و این ۱۴٪ بیش از سال ۶۳ بود. در بودجه سال این رقم ربه ۱۲۸ میلیارد تومان افزایش داده‌اند. اما آخوندهای حکومتی و "برادران" بازاریان جیبهای دارند و هنوز بیشتر می‌خواهند. محمدجواد بیروانی وزیر امور اقتصادی و دارایی رژیم در "میترا مالیاتی" کشور "که به منظور بررسی طرق غارت مردم تشکیل شده بود، گفت: "حداقل ۸۰ تا ۹۰ درصد بودجه جاری باستانی از محل مالیاتها تا مین شود".

هرگاه به توه کنیم که در سال ۶۴ این رقم تنها ۳۴۹ بوده است، آنکاه ششای سیری نا پذیر حکومت اسلامی بیشتر معلوم می‌شود. فشار مالیاتها بر دوش زحمتکشان است. سرما به داران با هزاران کلسک از زیر بار مالیات می‌گریزند و رژیم هم سرما به داران نیز بر این دوزخ کلسکها چشم فرو می‌بندد. در سال ۶۴ از ۱۵۳ میلیارد مالیات سهم سرما به داران فقط ۳ میلیارد ربه شده است. و شکر سنگی صنایع، کاهش

تولیدات، و سیاستهای خاشانه رژیم درجهست انتقال فشار گمراشکن به مردم به فقر و فلاکت عظیم مردم انجامیده است. بیگاری و خطرات اخراج زندگم را بر میلیونهاست از زحمتکشان مینهن مانگ کرد. است. منابع رسمی رژیم از تعداد بیکاران آمار واقعی بدست نمی‌دهند. سال گذشته بهزاد نسوی وزیر صنایع سنگین، تعداد بیکاران کشور را از قول سرپرست سازمان برناما موبودجه ۶ میلیون نفر اعلام کرد (اطلاعات ۲۲ فروردین ۶۴). روزنامه کیهان تنها بیکاران آنکارا ۳ میلیون نفر ذکر کرد است. (۱۳ خرداد ۶۵). این ارقام بسیار نگران د فاجعه آمیز این تحفه رژیم سرما به داران و ارتجاعی خندید. است. اکنون حداقل بین ۴۰ تا ۵۰ درصد نیروی کار فعال کشور بیکار و یا در مشاغل خاشانه مشغولند. بر این سپاه آشوبه روز بروز افسانه می‌شود. کارگران قربانیان درجه اول بیگاری هستند. بدلیل تعطیل کارخانجات و کاهش تولید و سودجویی سرما به داران، هر روز گروه گروه و دسته دسته کارگران را از کارخانجات بیرون می‌برند. در مین حیا این صنایع که جندی بیش درگروان برگزار شد، اعلام شده در سال جاری خطر بیگاری ۳ میلیون تن دیگر وجود دارد. وزیر صنایع سنگین رژیم در دیدار با کارخانه داران کشور، بیکار وجود سیاست دولت برای مقابله با بحران را اخراج بدسته جمعی کارگران و کاهش تعداد "نان خور" اعلام کرد.

بیگاری، گرسنگی، بدنساز دارد. فقر کمبود کالا، گرانای سرما و رقیمتها، شور و فزاینده و نتایج ناشی از بحران اقتصادی و غارتگرانه سرما به داران و تجار است. قدرت خرید مردم روز بروز کمتر و کالاهای روز بروز گرانتر می‌شود. سیاست عدم تا مین نیازها معیشتی مردم که به بهانه کمبود ارز از طرف دولت در پیش گرفته شده است خطر گرسنگی را برای زحمتکشان بیش از پیش تشدید کرده است. رژیم به تنهایی اقدامات زحمتکشان زندگم مردم از جنگال و فقر گرسنگی و بیگاری برنی دارد، بلکه روز بروز آنرا تشدید می‌کند. دست اندرکاران رژیم با موعظه در مورد "تغییر الگوی مصرف" و شعارهای مشابه از مردمی طلبند که خاموش باشند، دم بر نیاروند، کمربندها را سفت نکنند و خود را به خوردن "نان پخته" عادت دهند.

## افراشته باد پرچم رزم کارگران و رنجبران!

درگذشت رفیق له دوان، رهبر نامدار ویتنام

رفیق له دوان دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست نامدار، انترناسیونالیست بیگس...

امپریالیسم آمریکا در ویتنام، نیمه جنوبی میهن را نیز برای همیشه از چنگ امپریالیستها و سرمایه...

مرکزی حزب کمونیست ویتنام آمده است: دهها سال مبارزه سرسخت و پیگیر علی...

آخرین قدا امیر آمریکا علیه صلح

در خرداد ماه سال جاری ریگان اعلام داشت که این کشور قصد دارد از آینده تعهدات مندرج در اسناد...

تا کید قرار داد. این اجلاس پشتیبانی قاطع خود را از برنامه محو کامل سلاحهای هسته ای و دیگر...

بیاد رفیق مرتضی میثمی "بروند، بروند، بروند" کشتند آوازخوان ما را اینک خوشی، سرودت هیستان خوش، ترانه گویی ها...

Table with 2 columns: Address (AUSTRIA - WIEN) and Contact Info (BAWAG NR. 029 10701 - 650 DR. GERTRAUD ARTNER)

پیروز یاد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!